

است محل انجمن جزء - نیکاباد محمد آباد
یوه طالعونی قمشه ابرقو .
محل انجمن مرکزی - اصفهان - عده نمایندگان
کل ۷ نفر .

حاج سید ابراهیم - بنده می خواستم از
مخبر سؤال کنم که این ۷ نفر نمایندگان اصفهان از
روی چه میزان است اگر از طریق تخمین است و
تخینی است که از تحقیق دور است و اگر از روی
جغرافیاها و نقشه هائیکه در دست است هیچ دلالت
ندارد که جمعیت اصفهان هفتصد هزار نفر است ماباید
تصور کنیم که جمعیت اصفهان بیش از چهار صد
هزار نفر است منتهی بانصد هزار از روی میزان
هرصد هزار نفر یک نفر که حساب بکنیم پنج نفر حق
دارند بخصوص بعد از آنکه یک نفر هم از محل منوعه
است در اینصورت هفت نفر میشود و این عده خیلی
زیاد است و اگر این ملاحظه را بخواهیم بکنیم
و ملاحظه دیگری در بین نباشد باید چهار نفر یا
پنج نفر نماینده باصفهان و اطراف آن داد و اگر هفت نفر
بدهیم با سایر جاها بی تناسب خواهد بود و آن وقت
بکلی ترتیب حوزه بندیها بهم می خورد و بی شباهت
میشود و چون با این ترتیب یک نظر وجدانی متناسبی
حوزه بندی شده است یک جهت جامع و وجدانی
متناسبی ملحوظ و منظور شده است بنده با هفت
نفر مخالفم .

حاج عز الممالک - بنده بنظرم هفت نفر
زیاد نیست ولی چیزی که بنظر می آید از این مخالفت
هائیکه میشود در جمع بندی بنده متحیرم که نتیجه
چه خواهد شد بجهت این که هر حوزه صد هزار نفری
یک نماینده باید بمجلس بفرستد و همین طور حوزه
بمجلس در مجلس قرائت میشود و میگذرد و ما در خود
آن حوزه ایراد نداریم و قتیکه جمع بندی میکنیم
میکوئیم عده نایبندگان کمال هفت نفر آن وقت
ایراد میشود که این حوزه انتخابیه حق هفت نفر نماینده
دارد یا خیر ولی ایرادی بیک حوزه بندی جزء نشده
است باین دلیل خوبست آقایانیکه مخالف هستند
ترتیب حوزه بندیها را بهم پیشنهاد بکنند .

آقای سید حسن مدریس - چون عقیده من
اینست که اصلا باید و کلازه زیاد نباشند و اگر میشد
عده نمایندگان صد یا هشتاد شود بهتر بود بخصوص
با این اوضاع حاضره ولی آنچه در این قانون معین
شده است تمام از روی تخمین بوده است بنده چند
نقطه از اصفهان را ندیده ام و سایر نقاط اصفهان
را ندیده ام ولی نمیتوانم بگویم جمعیت آنجاها
چقدر است اگر همان تخمین هم باشد شاید بگویند
زیاد است لکن اگر تقریب باشد دور نیست این
میزانی که برای اصفهان معین شده است اجحاف
نشده باشد ولکن اگر زیادتر معین کرده بودند
میتوان گفت اجحاف شده است مثلا خود چهارمعال
هر کس بصیرت دارد میدانند از قوانین بختیاری باید
برسید میتوانم بگویم دویست هزار جمعیت دارد
ولکن همین عده از برای نماینده که نوشته شده
است میتوان گفت کافی است بجهت این که باید بنظر
باین باشد که و کلاهی که منتخب میشوند باید طوری
باشد که فایده داشته باشد و هر قدر هم کمتر باشند
بمقیده بنده بهتر است .

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی است
بخواند (گیلان) .
رشت و توابع - عده نمایندگان دو نفر .
آقا میرزا احمد قزوینی - توابع باید
معلوم شود تا آن که تقاطعی که جزو حوزه انتخابیه
رشت هست معین باشد باید حدود یک حوزه انتخابیه
صریحا معلوم شده باشد و اجمال نداشته باشد مثلا باید
معلوم شود که تا چهار فرسخی است یا دو فرسخی
است اما مزاده هاشم جزء رشت است یا خیر .
ذکاء الملک - این معلوم است که کدام نقاط
جزء شهر است و معلوم است تقاطعیکه جزء شهر
محسوب نیستند بطور کلی نمیتوان معین کرد که حدود
شهر تا چند فرسخی است .
محل انجمن جزء - رشت - محل انجمن مرکزی
رشت - گرگان رود - اسالم - طالش - دولاب -
مسائل شان در بین - عده نمایندگان یک نفر
محل انجمن جزء - گرگان رود - ماسال - محل
انجمن مرکزی - گرگان رود (مخالفی ابد نبود)
انزلی و غازیان و توابع و تولم عده نمایندگان
یک نفر .

مهرز الملک - تصور میکنم خیلی لازم دارد
تا اینکه اهالی این نقاط بعد هزار برسند تا اینکه حق
یک نماینده داشته باشند .
افتخار واعظین - هر کس انزلی و غازیان
و توابع را دیده باشد میدانند در صورتیکه تولم هم
جزو باشد یقینا حق یک نماینده دارند
محل انجمن جزء - انزلی - جمعه بازار - محل
انجمن مرکزی - انزلی - لاهیجان - لنگرود - رودس
دیلمان - وانکو - صحت آباد - عمارلو - منجیل - رودبار
رستم آباد یک نفر .

آقای میرزا احمد - بنده اعتقاد خودم را اول
عرض میکنم اساسا همراه هستم با کم کردن و کلازه
هر قدر کمتر باشد بهتر است لکن چون میزان صد
هزار نفر قرار گذاشته اند عرض میکنم این حوزه
بندی که برای گیلان است راجع بگیلان و رودس و
توابع این خیلی غلط است تا بنای منجیل و رستم آباد
اینجا جزء عمار لو است اینک عمار لو را یک جا
نوشته اند جزء همین بلوک است جای علیجه نیست
صحت آباد هم اشتباه نوشته است رحمت آباد است
اشتباه دیگری هم که هست اینست که لنگرود را
علیجه نوشته اند و رودس را علیجه نوشته اند و
حال آنکه لنگرود جزء وانکو است و انکو نقطه
مهم دارد یکی قریب شهر است اینک قریب شهر
است استس اهم است و میتوان گفت که یک قصبه است
و دیگری رودس است بجزایر اخری اینها خارج از
رانکو نیستند پس لفظ لنگرود و رودس با وجود
رانکو زبانی هستند باین قسم رانکو و لاهیجان یک نفر
آن چهار تایی دیگر زبانی است و از حیث جمعیت
این نقاطیکه نوشته شده است بمقابل آن نقاطی
است که بآنجا حق یک نفر وکیل داده اند همچنین
نسبت بانزلی و غازیان و تولم نمایندگان کمسیون
از روی چه میزانی این تقسیم را کرده اند و انزلی را
با آن عده که نسبت باینجا یک نفر است یک نفر حق
داده اند و دیگر آن که هر یک اینها مستقل هستند
جزء یک حکومت نشین نیستند تا اینکه یک انجمن
مرکزی از برای آنجا معین شود مثلا دیلمان و رانکو

خودش یک حکومت نشین است معین لنگرود و
توابعش و عمارلو و رحمت آباد اینها تمام خودشان
حکومت نشین مستقل هستند جاها دیگر هم از
فیل منجیل و رستم آباد هست که جزو اینها
هستند ولی از حیث حکومت مستقل هستند دیگر
آن که انجمن جزء شان را خارج کرده اند و در
لاهیجان قرار داده اند عیب دیگر این است لاهیجان
انجمن مرکزی اینجا قرار داد نند و عمارلو و
منجیل را جزء آن قرار داده اند در سورنی که
انجمن جزء دیلمان و رحمت آباد باید در خودشان
باشد و انجمن مرکزی یا باید در خودشان باشد
یا در رشت بنا بر این بنده پیشنهاد کرده ام راجع
بانجمن جزء و انجمن کاشان و هر یک از این چند
حکومت نشین را قسمت کرده ام که رانکو و لاهیجان
یک نفر عمارلو و رحمت آباد دیلمان یک نفر منجیل
و رستم آباد هم جزء اینها خواهد بود پیشنهاد را
تقدیم میکنم انشاء الله در کمسیون توجه خواهند فرمود
که دوفتر بآنجا حق بدهند بجهتیکه جمعیت اینها بیش
از انزلی شفت و فومن است .

محل انجمن جزء - لاهیجان - رودبار -
نایب رئیس - مخالفی هست اظهاری نشده .
محل انجمن مرکزی - لاهیجان - رودبار
حاج عز الممالک - بنده در محل انجمن مرکزی
مخالف هستم بهمان نظری که سابق گفته شد و حالا
نیخواهم عرض کنم ولی یک دلیل بر آن نظر سابق
خودم میافزایم که وقتیکه بانجمن مرکزی حق
دادیم اعلان انتخابات بکنند و گفتیم در موقعیکه اعلان
کرد انتخاب نسکرند حق انتخاب آن نقطه ساقط
میشود ممکن است بواسطه بودن انجمن مرکزی در
نقاط جزء سایر تقاطعی که در عرض او هستند زیر
پار اعلان او نروند و انتخاب نکنند و این سبب
میشود که یک عده بیجهت از انتخاب محروم میشوند
باین جهت عقیده من این است که یکجائی را محل
انجمن مرکزی قرار بدهیم که نسبت بسایر نقاط مرکزیت
داشته باشد .

آقای میرزا احمد - رودبار نمایانم چه مناسبت
نوشته اند رودبار نیست رودس راست .
نایب رئیس - از روی پیشنهادی که کرده اید
در کمسیون اصلاح میشود .
حاج سید ابراهیم - از مذاکراتیکه
میشود معلوم میشود که ما مذاکرات سابق را داریم
عینا تجدید میکنیم بنده عرض میکنم که انجمن
مرکزی را در لاهیجان قرار دادن هیچ جتنی ندارد
در صورتیکه معلوم شد و ضرورت ما را مجبور
کرد که انجمن مرکزی را در نقاط جزو قرار بدهیم
باید قرار بدهیم و این چیزی نیست که یک عیب
کلی شود و اینک میگویند اگر در نقاط جزو انجمن
مرکزی قرار بدهیم سایر نقاط انتخاب نمیکندند
با اینکه انجمن مرکزی درست دقت نمیکند این سوء
ظن را که مادر حق انجمنهای جزو ببریم صحیح نیست
البته مثل اینکه قابل داریم وظیفه خودمان ادا کنیم
انجمن مرکزی هر جا هم میل دارد که وظیفه خودش
را کاملا ادا نماید ولو باینکه اهالی را وادار نماید از
حقوق خودشان استفاده بکنند والا اینکه شاید کاری
بکنند که افراد از حقوق خودشان استفاده نکنند اصلا
اظهارش صحیح نیست .

نایب رئیس - اگر نظر آقایان باشد در یک
جلسه در اینخصوص مذاکرات شده است دیگر تکرار
لازم نیست و گویا مذاکرات کافی شد شفت - فومنات
ماسوه - یک نفر .

نایب رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشده)
محل انجمن جزء - فومن .
نایب رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشده)
انجمن مرکزی - فومن .
نایب رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشده)
عده کل نمایندگان ۶ نفر (مخالفی هست)

لواء الدوله - در حوزههای انتخابیه ولایات
و تقسیم نمایندگان بنقاط نسبت بعضی جاها ظلم شده
است و در حق بعضی نقاط رعایتا گرچه فرق نمیکند
تمام و کلا از رشت بیایند یا از قزوین یا از اصفهان
فرق نمیکند همه آنها نماینده اند ولی وقتی که گفتیم
میخواهیم به تساوی حقوق رفتار کنیم میزانی برای
حق انتخاب دادن معین کردیم چه ضرر دارد که در
موضوع ولایات یک قدری دقت کنیم والا رشت سابقا
سه نفر بوده حالاش نفر شده اصفهان سه نفر حق داشتند
حالا هفت نفر بآنجا حق داده اند و همینطور بعضی
جایهای دیگر ولی گلیان و خونسار و کمره سابقا
چهار نفر حق داشتند حالا دو نفر شده یعنی بآنجا که
حقیقتا سیصد و شصت هزار نفر هستند دوفتر حق میدهیم
و جایهای دیگر که مسلمان چهار صد هزار نفر ندارند
کاهش نفر بنده نمایانم این تقسیم از روی چه مأخذ و از چه
ملاک است باید همانطوریکه آنروز عرض کردم یک
ترتیبی داد که بعضی به آتش بعضی نسوزند والا اگر
بفرمایند این میزان تخمینی است بنده عرض میکنم
گلیان و خونسار کمره هفتصد هزار جمعیت دارد
اگر احصایه داریم بفرمایند بشمارید مثل آن کسیکه
از او سؤال کردند وسط دنیا کجا است گفت اینجا
باور ندارید برو بشمار حالا اینم مثل همان است .

محمد هاشم میرزا - باین اندازه هم تصور
میرمایند نیست که بر حسب یک تخمین بی مأخذی این
تقسیم ها شده باشد به درست است که احصایه در
دست نداریم لکن یک میزان تقریبی معین کردیم
مثلا رشت اگر آباد ترین نقاط ایران نباشد معلوم
نیست که سایر نقاط هم بآن جا برسند از ترتیبیکه
در دست وزارت داخله هست از قبیل ارزاقیکه
بآن جا وارد میشود و حکومت هائیکه برای آن جا
معین میشود و سایر ترتیبات بدست آمده است و
جمعیت این جا تخمینا چقدر میشود سابق هم پنج نفر
وکیل حق داشت سه نفر و حالا هم ۶ نفر بهمان
مناسبتی است که عرض کردم در صورتیکه نمایندگان
گیلان عقیده شان این بود که شش نفر کم است و باید
هفت نفر بآنجا حق بدهند ولی کمسیون بملاحظات
بیشتر از ۶ نفر را تصویب نکرد .

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد
(اظهار شد کافی است) بقیه شور در این قانون میماند
برای جلسه آتی و راپورت کمسیون بودجه راجع
پورته فتح الله خان مجاهد مقبول خوانده میشود بجزایر
ذیل قرائت شد لایحه وزارت مالیه راجع بتقاضای
ماهی سی تومان درباره وراثت فتح الله خان مجاهد
مقبول مطرح مذاکره گردیده نظر بر رعایت حال
بازماندهگان وراثت مرحوم فتح الله خان که در امر حریت

مقبول شده کمسیون بودجه با اکثریت آراء مطابق
ماده ذیل ماهی ده تومان در باره وراثت فتح الله خان
مجاهد مقبول تصویب مینماید
ماده میلزده تومان ماهیانه از هذمه لسنه تنگوزیل
در باره وراثت فتح الله خان مجاهد مقبول مادام -
الجبوت برقرار میشود .

نایب رئیس - مخالفی هست (گفته خیر)
رای میگیریم کسانیکه تصویب میکنند این راپورت
را و رفته سفید بیاندازند (رای گرفته شده آقای حاج
میرزا رضا خان اوراق رای را بنده ۲۹ ورقه سفید
شماره نمود)

نایب رئیس - بلا تکلیف ماند .
جلسه آتی روز شنبه غره رمضان است دو
پیشنهاد در اینخصوص شده یکی بامضاجهت نواز
نمایندگان که جلسات شب باشد یکی هم بامضای آقای
مهرز الملک که هفته دو جلسه منعقد شود اول رای
میگیریم در پیشنهاد آقای مهرز الملک برای اینکه
تکلیف معلوم شود بعد از آن در موقمش رای می
گیریم پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل خوانده شد ()
بنده پیشنهاد میکنم که جلسات مجلس شورای ملی
در ماه مبارک هفته دو روز باشد .

نایب رئیس - آقای مهرز الملک توضیح
دارید بدهید رای بگیریم .

مهرز الملک - من تصور میکنم این مسئله
را که بطوریکه پیشنهاد کرده ام عقیده یک نماینده
نباشد و تمام نمایندگان در اینخصوص هم عقیده باشند
بدو جهت اولایجری که بتوانند حاضر باشد تا اینکه
جزو دستور شود نیست و کمسیونها هم باید چیزی
داشته باشند تا اینکه بمجلس بیاید و تا بنای ماه رمضان
در پیش است کسالت بعضی کارها هم در بین است
از ایی جهت برای مدت ماه رمضان بنده پیشنهاد
کرده ام هفته دو جلسه بیشتر منعقد نشود تا اینکه
کمسیونها هم وقت پیدا بکنند و مطالبی را که به
آنجا رجوع شده است زودتر راپورت بدهند حالا
دیگر بسته برای مجلس است .

آقا میرزا احمد - جهت اینکه هفته دو
جلسه شود این است که میفرمایند در دستور
چیزهای مهم نیست و هفته دو جلسه کفایت میکند
از این چیزها بیکه در این دوره باید بگذرد در صورتی
که قانون شرکها و قانون یتیمی در بین هست که
یک شور آن شده و شور دوم آن باید بشود و بگذرد
همینطور قانون انتخابات شور اول او نزدیک است
تمام شود مطالب دیگر هست که باید مجلس آنرا
بگذراند باینجهت اگر هفته سه روز هم باشد بنده
باز اعتقاد اینست تا دو ماه هم این مطالب نتوانند
گذشت این است که بنده عقیده ام اینست که مثل
سابق هفته سه روز باشد تا این مطالب و قوانینی که
عرض کردم از مجلس بگذرد .

مستین السلطنه - بنده مخالفم با فرمایش
آقای آقا میرزا احمد برای اینکه همه آقایان خوب
میدانند که باز سال بواسطه کسالت همین امتحان را
دادیم که اگر چه میامدیم ولی هم دیر میامدیم هم
مثل این بود که کاری نکردیم باین جهت بمقیده بنده
اگر هفته یک جلسه نباشیم کمره کسالت بشود بهتر
است از اینکه هر هفته سه جلسه منعقد بکنیم با هر روز
جلسه داشته باشیم و هیچ کار نکند ولی مقصود از

نایب رئیس - رای میگیریم کسانیکه
تصویب میکنند جلسات ماه مبارک رضا در شب
باشد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .
نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد جلسه

هفته دوموقع که در این پیشنهاد ذکر شده است
اعم است از اینکه روز باشد یا شب ولی اگر روز
باشد بنده مخالفم و موافقم با اینکه جلسات سه
منعقد شود .

نایب رئیس - عرض کردم اول برای
اینکه دوموقع جلسه منعقد شود رای میگیریم بعد
از آنکه معلوم شد که دوموقع را مجلس تصویب می کند
یا اینکه طوری را که سابق معمول بوده است آنوقت
در اینکه شب باشد یا روز رای میگیریم یک مرتبه
دیگر پیشنهاد خوانده میشود پس از آن رای میگیریم
(پیشنهاد آقای مهرز الملک مجددا قرائت شد) .

نایب رئیس - رای میگیریم آقایانی که
همراهند با اینکه در ماه رمضان هفته دو موقع جلسه
منعقد شود قیام نمایند (عده قیام نمودند)
نایب رئیس - بلا تکلیف ماند یعنی از
۶۴ نفر (۳۲) نقرای دادند حالا در پیشنهادی که
از طرف (۴۰) نفر از نمایندگان شده است که جلسات
در شب باشد رای میگیریم .

(پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) .
داعی پیشنهاد مینماید در ایام ماه رمضان که هوا
گرم و باحالت روزه دارای درست حواس آقایان
نمایندگان جمع نمیشود قرار مجلس شوررا شیها قرار
دهند (حاج امام جمعه و ۳۹ نفر از نمایندگان) .

نایب رئیس - مخالفی هست .

لسان الحکماء - چون مسئله اول بلا
تکلیف مانند خوب است این را هم رای نگیرند
و بسابقه عمل کنید برای این که دفعه اول نیست که
رمضا آمده باشد چند سال است که آمده است و
سابقه بدی هم بنا نشان نداده است و آقایانیکه
عقیده دارند که در شب باشد اگر از نقطه نظر ناراحتی
این فرمایش را میکنند خوب است یک چیزی پس
خودشان بگیرند و همین طور ملاحظه بکنند اشخاصی
که منزلشان پای قایوق و نقاط دور باشد چقدر برای
ایشان ناراحت است یک مسافت خیلی بیدی را با
آن اشکالاتی که همه میدانیم فراهم میشود در شب
طی بکنند و خیلی بیشتر صدمه بآن ها وارد می آید
ولی اگر از این نقطه نظر نبوده باشد حاضر هستیم
که از صبح تا شام حاضر باشیم و اگر وقت هم عصرها
کم داشته باشیم یعنی دیر بیاییم ممکن است قدری
از شب راهم جزو بکنیم باین جهت اگر مثل سابق
دو فرور باشد بمقیده بنده بهتر و صدمه آن کمتر
است و عرض میکنم چون آن پیشنهاد اولی بلا تکلیف
ماند در این هم رای نگیرید و بسابقه عمل بکنید .

حاج امام جمعه - تبادل آرائیکه میشود
باید با تأمل و بطور حواس جمعی شود بجهت این
که اینجا مجلس شورا است و باید شور با حواس جمع
باشد من خودم می بینم آن وقت روز ابد نفهمم
و حواس تمام تالین که تبادل افکار بکنم از اینجهت
این پیشنهاد را کردم تنها هم نیستم چهل نفر باینده
رفیق هستند و این پیشنهاد را امضاء کرده اند حالا
دیگر مختاریه رای بگیرند تا تکلیف معلوم شود .

نایب رئیس - رای میگیریم کسانیکه
تصویب میکنند جلسات ماه مبارک رضا در شب
باشد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .
نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد جلسه

آیه شب یکشنبه دوساعت از شب گذشته - دستور شور اول در طبقه قانون انتخابات - رایورث کمیسیون بودجه در باب ورثه میرزا جواد و مشهدی محسن مقول - آقای افتخار الواعظین در دستور ملاحظاتی داشتند .

افتخار الواعظین - به میخواستم عرض کنم رایورثی از کمیسیون فواید عامه مدتی است گذشته است راجع با اختصاصات جر مسازی جلال بانس استماعا میکنم جزو دستور جلسه آیه بشود .

نایب رئیس - اگر مخالفی نیست ممکن است جزو دستور بگذاریم مجلس بیکریع بمدناظره ختم گردید .

جلسه ۳۸۸

صورت مشروح شب دوم شهر رمضان المبارک ۱۳۲۹

رئیس آقای مؤتمن الملك دو ساعت و نیم از شب گذشته بجای خود جلوس فرموده و پس از دقایقه مجلس رسماً افتتاح شد صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۹ شهر شعبان را آقای آقا میرزا رضا خان قرائت نمود غائبین جلسه قبل آقایان آقا سید محمد باقر ادیب - و آقا شیخ ابراهیم بدون اجازه و آقایان ناصرالاسلام - و حاج آقا با اجازه غائب بودند آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر در حضور کرده اند آقایان متین السلطنه - آقا شیخ حسین یزدی آقا سید محمد رضای مساوات - حاج و کیل الرعايا حاج امام جمعه - آقا سید حسن مدرس - دکتر لقمان میرزا یانس هر یک نیم ساعت آقای معزز الملك يك ساعت آقای دکتر اسمعیل خان - افتخار الواعظین پنجاه دقیقه آقای حاج مصدق المالك چهل دقیقه **رئیس** - راجع بسکيلان نماینده شش نفر نوشته شده اشتباهات هفت نفر خواندند .

دکتر سعیدالاطباء - در خصوص پیشنهاد وزارت معارف در ماده دریم فقط مخالفت بنده را نوشته اند ولی تعیین نکرده اند که در چه خصوص مخالف بودم مخالفت بنده در خصوص آن مقرر بود که معین شده بود برای يك معلمی که سمت آگوزه داشته باشد بنده عرض کردم با پانزده هزار فرائض ما نمیتوانیم يك معلمی بیاوریم که سمت آگوزه داشته باشد خوب است این مسئله در صورت مجلس همین طور قید شود .

آقا میرزا داود خان - در پیشنهاد آقای معزز الملك بقیام و قعود رای گرفتند نه باورقه اینجا نوشته اند که پیشنهاد آقای معزز الملك بلا تکلیف ماند و حال آنکه این در صورتی است که با ورقة رای بگیرند .

رئیس - تفاوت نمیکند بهرحال تکلیفی معلوم نشده .

آقا سید حسین اردبیلی - گمان میکنم اینکه نوشته اند بلا تکلیف ماند صحیح نیست باید نوشت قبول نشد .

رئیس - نمیشود نوشت قبول نشد برای اینکه نصف به يك طرف رای داده اند نصف به يك طرف .

افتخار الواعظین - بنده برای دستور امشب تقاضائی کردم و قبول نشد ولی اینجا ذکر

نشده است و آن این بود که رایورثی از کمیسیون فواید عامه مدتی است گذشته و بنامش جزء دستور گذاشته شود و هیچ قید نشده است .

رئیس - نوشته میشود .
حاج وکیل الرعايا - یک نفر معاند رسمی که در آنجا مذاکره شده عمل تجزیه ضرابخانه را هم معاون وزارت معارف ضمیمه شغل او تصریح کرد که تجزیه ضرابخانه هم باو راجع خواهد بود و این يك تخفیف مغارچی است برای دولت که تجزیه ضرابخانه را هم آن شخص بعهده بگیرد نمیدانم چرا در صورت مجلس عمل تجزیه ضرابخانه قید نشده است .

رئیس - اگر گفته شده است همینطور اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی نیست (گفتند خیر) صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد قانون انتخابات شروع بشود در طبقه قانون انتخابات گردید .

همدان و توابع - در جزین و پیشخور و سرزود - یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) .
محل انجمن جزء - برای همدان و توابع - همدان برای در جزین و پیشخور - نسیب - برای سرزود - دوق .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) .
محل انجمن نظار مرکزی همدان .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) .
حاجی و خداوندلو - مهربان - یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) .
محل انجمن جزء برای حاجی لوه خداوندلو - کبوتر - آهنگ - برای مهربان - فوخرود .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) .
محل انجمن مرکزی همدان .
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) عده نمایندگان دونفر مخالفی هست .

محمد هاشم میرزا - در باب اسدآباد که جزو اینجا اسم برده نشده است عرضی دارم .
رئیس - در موقعی که حوزه انتخابیه را میخوانند میبایستی اظهار کرده باشید حالا راجع بنده است .

آقا سید محمد رضای همدانی - به نمایندگان همدان را دونفر نوشته اند و حال آن که در بیست سال قبل جمعیت خود همدان نزدیک بنود هزار نوشته اند و هده اطرافش هم از صدو پنجاه هزار نفر بیشتر است و حالا علاوه بر این اسدآباد را هم بآن اضافه کرده اند از این جهت گمان میکنم عده نماینده آنجا را کم داده اند خوب است به همدان و اطراف همان دو نفر را بدهند و اسدآباد جزء کنتاور باشد .

حاج وکیل الرعايا - اسدآباد چنانچه سابقاً در قانون انتخابات نوشته شده بود امروز در این تقسیم نیست و گمان میکنم که برای همدان و اطراف دونفر نماینده کافی است و بنده توفیق آنهارا از خدا میخواهم که همان دونفر انتخاب شوند و بیاینده بروجرود **بروچر دولرستان**

بروچر و سعید خور بختیاری چهار لنگ دونفر .
رئیس - اختلافی نیست (گفتند خیر)

محل انجمن جزء - برای بروچر - بروچر برای سعیدخور بختیاری - چهار لنگ بتعیین حکومت **حاج سید ابراهیم** - بیشتر در بعضی مواد گذشت که عرض کردم بتعیین حکومت صحیح نیست اگر مجلس بنظر نمی آید باید را گذار کرد بانجمن مرکزی که او در هر جا لازم بدین معنی بکنند

آقای میرزا مرتضی قلی خان - در این چند فقره که بتعیین حکومت نوشته شده است بانام بنده مخالفم بجهت اینکه سعید خور بختیاری چهار لنگ و اینها یکی آنجا نوشته شده است تمامشان مرکرو حاکم نشین دارند و اگر میفرمایند بنده خود میگویم پیشنهاد میکنم که در کمیسیون نوشته شود .

آقای محمد - نسخه که در دست ماست باین اختلافی دارد اینجا بروچر و سعید خور بختیاری چهار لنگ دونفر نوشته اند و در این انجمن جزش هم همان طور که فرمودید بی ترتیب نوشته شده است چنانچه اجازه میفرمایید بنده در کمیسیون حضور داشته باشم و يك ترتیب دیگری نوشته شود .

رئیس - قیل از شور دوم که بکمیسیون خواهد رفت محل انجمن مرکزی بروچر

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) چامتن و خرم آباد و توابع یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن جزء - چامتن بتعیین حکومت برای خرم آباد و توابع - خرم آباد .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - بروچر - خرم آباد
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) طوائف پیشکوه یک نفر

محمد هاشم میرزا - اگر از حیث طایفه بودن و ایل بودن میخواهد نماینده باینجا بدهد باید جزء ایلات محسوب شوند و اگر جزء شهر نشین و دهات نشینها میخواهند نماینده بآنجا بدهند گویا عقبه شان کافی نباشد که یک نفر نماینده بآنجا بدهند

بهجت - اینجا سواي شهر خرم آباد و توابع است و دو قسمت میشود . يك قسمت را میگویند پیشکوه که تقریباً ممکن است پنجاه طایفه داشته باشد که هر يك اسم مخصوص دارند و دیگر پشت کوه که همان جایی است که منتهی میشود بخاک عثمانی این خاک پیشکوه که ما میگوئیم دهات زیاد دارد مثل سیسه آتش و غیره که دهات پیشکوه است و در آنجا بنظر اهمیت و طایفه گنی ملاحظه شده است نظر بهمان محل جمعیتی است که آنجا دارند و باید انجمن جزء آنهارا در همان جامعین نمود حالا باید دید تعیین انجمن جزو باید باحکومت باشد یا با انجمن مرکزی حالا به بنیسم نظر کمیسیون در این خصوص بکدام است

محل انجمن جزء بتعیین حکومت **رئیس** - مخالفی نیست (گفتند خیر)

محل انجمن مرکزی - خرم آباد
رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر) پیشکوه و توابع یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)

محل انجمن جزء - بتعیین حکومت **رئیس** - مخالفی نیست (گفتند خیر)

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
عده نمایندگان برای بروچر و لرستان پنج نفر مخالفی نیست .

حاج سید ابراهیم - در بعضی از این جاهای این حوزه ها که ذکر شده است میشود تصدیق کرد که یک نفر نماینده می شود بآنجا داد مثل پشتکوه و طوائف ولی در سایر جاها باین ترتیبی که نوشته شده است که چهار نفر داده شود هیچ دلیلی براینکه چهار صد هزار نفر داشته باشد ندارد باو مابقی نمایندگان نقاط هم تناسبی ندارد شاید اینها تمام سیصد هزار نفر بیشتر نباشند که چهار نفر میدهند مثلاً مثل بروچر و لرستان که بنده باین ترتیب عرض میکنم بیش از چهار نفر باید نماینده آنجا باشد .

بهجت - در ابتدا اینکه حوزه بندی ها تقدیم مجلس شد و بنده رای دادن مجلس را در آن صحیح نمیدانستم برای همین مذاکرات بود .

مثلاً نمایانم در این موضوع که رای به پنج نفر نباید بدهیم یا چهار نفر ولی همینکه ما نمیدانیم این را هیچ دلیل نمیدانیم باینسی بدانیم که این کم است هر کس میتواند دلیل بیاورد که جمعیت فلانجا شصده هزار نفر است یا کمتر است اما در باب بروچر و لرستان چون اینها را رویهم گذاشته ایم و گفته ایم که بروچر و لرستان پنج نفر وکیل داشته باشند میگویند چرا این صفحه کوچکی که بروچر و لرستان است پنج نفر وکیل داشته باشند جای اینکه يك قسمتش منتهی میشود بسرحد عثمانی و یکی بکرمانشاه و یکی بکردستان که اینها هشتاد طایفه هستند و یقیناً بیش از يك کرور جمعیت آنجا است حالا اگر میخواهند دلیل بیاورند نباید بگویند من نمیدانم باید بگویند من میدانم فلانجا جمعیتش فلان مقدار است فلانجا فلانقدر و الا اگر ایشان بدانند این دلیل نخواهد شد بنده عرض میکنم که عده نمایندگان آنجا خیلی کم است برای اینکه عده جمعیت آنجا بیشتر از شصده هزار نفر است .

آقا محمد - تقریباً در بیست سال قبل در زمان سلطنت ناصرالدین شاه مرحوم يك تعداد نفوس بطور ناقص شده بود و اینکه شهرت داشت و بر مردم اشتباه شده بود که اینهم تعداد نفوس برای اینک که قرعه برای گرفتن سرباز بزنند یا اینکه مالیات سری بگیرند بآن واسطه هم خیلی کم نوشته اند با وجود این بروچر و سیلاخورها متجاوز از صد هزار نفر شد و علاوه بختیاری را هم ضمیمه او نبود بملاحظه مالیاتیکه از لرستان و بروچر گرفته میشود و تا يك اندازه عده نفوس معلوم شده است از يك کرور متجاوز است و بعقیده بنده از هفتصد هزار نفر اگر زیاد تر نباشد کمتر نیست و پنج نفر اگر صد هزار نفر يك نفر را میزان بگیریم کم است برای آنها هفت نفر حق دارند هفت نفر اگر باشد بنده مخالفتی ندارم .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم تقاضا کرده اند که عده نمایندگان بروچر و لرستان چهار نفر باشد میفرمایم بکمیسیون .
کردستان - سنندج و حومه - یک نفر .
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن مرکزی سنندج .
رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

سقر باه خور خوده دستیکو - یک نفر .
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن جزء سقر باه خور خوده .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن مرکزی - سنندج .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
هوایاتو وساران کلاترزاك و کومامی و زادروند و اورامان تحت مریدان جوانرود ایل صاحب و اورامان مجنون و شادآباد و روانسر - یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن جزء قریه دیوان دره قریه بیاران قلعه مریدان - قلعه جوانرود .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن مرکزی - سنندج .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
گاورود کور و دیلوار و ایر آباد و ویلاق و اسفند آباد و چهار دولی ایل شیخ اسمعیلی و حسین آباد و قراسو یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر)
محل انجمن جزء قریه سیفی - قریه سریش آباد قریه نساوه .

حاج عز الملك - بعقیده بنده عرض سریش آباد اسفند آباد بنویسند بهتر است .

عز الملك - چون سریش آباد ممکن است و از هر طرف پنج شش فرسخ خواهند آمد برای اینکه رای بدهند آنجا مرکز باشد بهتر است

محل انجمن مرکزی سنندج
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) عده برای کردستان چهار نفر است مخالفی هست (اظهاری نشد)

مازندران ساری و توابع کبله کلا و تو کندکا کلجان - رستاق - فرح آباد میا آسورود و قره طوق نا کو یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
محل انجمن جزء - برای ساری و توابع ساری - برای کبله کلانو کلا - ماشین کلا - برای کلجان رستاق - بهنه کلا برای فرح آباد میا آسورود و قره طوقان کو - فرح آباد .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - ساری .
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) بار فروش و توابع آمل و توابع رابوی کوچک و بزرگ - مشهدسر - برای علی آباد بندالی - علی آباد .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - ساری

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) بار فروش و توابع آمل و توابع رابوی کوچک و بزرگ - مشهدسر - علی آباد بندالی - علی آباد .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن جزء - برای بار فروش و توابع بار فروش - برای آمل و توابع رابوی کوچک و بزرگ - آمل - برای مشهدسر - مشهدسر - برای علی آباد بندالی - علی آباد .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - ساری

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - ساری

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) .
اشرف دودانگه سورت بیخ کشی و کلباد و چهار دانگ - یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن جزء - برای اشرف - اشرف برای دودانگه و سورت دودانگه - برای بیخ کشی و کلباد - کلباد برای چهار دانگه - چهار دانگه .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - ساری

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) سواد کوه فیروز کوه - لاریجان - یک نفر .

محل انجمن جزء - شیرگاه - قصبه فیروز کوه - اسک لاریجان .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - ساری

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) نور کجور - تنکابن - کلارستان - کلاردشت - یک نفر

محل انجمن جزء - بلده - میخ ساز - خرم آباد ازلان .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) عده نمایندگان برای مازندران پنج نفر - مخالفی هست ؟
نیر السلطان - از قراریکه اینجا اظهار شده که هر صد هزار نفر يك نماینده بدهند اقل جمعیت مازندران با معیت فیروز کوه و تنکابن مسلم است که بیشتر از هفتصد هزار نفر خواهد بود با پنجهت بنده تقاضا کردم که عده نمایندگان آنجا را اقل شش نفر قرار بدهند و پیشنهادیم در اینباب کرده ام .

رئیس - پیشنهاد رسید هروقت رسید میفرستیم بکمیسیون .

لواء الدوله - باز بنده میخواهم تکرار کنم عرایض پریروز خودم را اینجا عنوان میشود شصده هزار نفر هفتصد هزار نفر ولی وقتی ملاحظه میشود باز همان بعنوان اینکه تعیینی است میکنند شصده هزار تا فلانجا هشتصد تا فلانجا هفتصد تا فلانجا آنوقت میبینیم بعضی نقاط باندازه ظلم شده است که نهایت ندارد چون بنده حقم اینست که از بابت خودم دفاع بکنم یعنی آنجایی که بنده را نماینده خودشان قرار داده اند مخصوصاً بنده حقی داده اند که از آن هادفاع کنم حالا بجای پنج نفر تقاضا شده است بنده تقاضا کردم پنج محل که تقریباً سیصد و شصت هزار نفر بوده است بطور تعیین و شاید اگر تحقیق بشود و عده شماری بشود بیش از هفتصد هزار نفر است عرض کردم اگر باور ندارید بروید بشمارید تقاضا میکنم آن چهار نفری که تقاضا کرده مسان چهار نفر را بدهند و مازندران هم چهار نفر بیشتر عقیده بنده نیست .

انتظام الحکما - مازندران تقریباً يك کرور و نیم جمعیت آنجا است برای این که در (۲۷) سال قبل مازندران تنها را بدون فیروز کوه چهار صد و پنجاه هزار نفر احصاء کرده بودند و نور خودش (۱۸) بلوک هست و آن کوچک ترین بلوکش پنج هزار تا شش هزار نفر جمعیت دارد که شصت هفتاد هزار نفر جمعیت خود (۱۸) بلوک کجور کلارستان و تنکابن را هم باو منضم کرده اند با این که تنکابن قطعاً چهل هزار نفر جمعیت دارد بنده عرض میکنم که اگر هفت نفر نماینده مازندران بدهند

تقریباً پنجاه هزار نفر حقوقشان از بین رفته است اگر بهر صد هزار نفر يك وكيل بدهند بمیباید هفت و کیل بدهند و يك پیشنهادی هم آن منبوسم تقدیم میکنم .

رئیس - مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) (حوزه انتخابیه کرمان بابت ذیل قرائت شد)

کرمان - مراسیم - ماهان - انگر قناتستان جو یار یکتفر .

حاج سید ابراهیم - بنده باز بلاحظه این که بی تناسب حوزه بندی شده است عرض میکنم که کرمان و توابعش با این جا هائی که ذکر شد و انجنم جزء برایش قرار داده اند کمتر از دوست هزار نفر نباید باشد و گویا سیم شهر ایران کرمان باشد و تصور نمیکند سزاوار باشد بهر وجود و سیلاخور دو نفر و کیل بدهیم ولی شهر کرمان که ایالتی است یکتفر این بی تناسب شده است باید رفع کرد و يك نسبت مساوی قرار بدهند اگر به تعیین است که هم يك قسم باشد و اگر از روی تحقیق است که باز هم يك نسبت باشد و الا اینکه در نظامنامه انتخابات بنوسید که بر وجود و سیلاخور دو نفر و کرمان یکتفر و این خیلی بی تناسب است بنده عقیده ام این است و پیشنهاد هم میکنم که برای کرمان و توابع دو نفر نماینده معین بشود .

بهجت - شهر کرمان یقیناً هفتاد هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد اینکه میفرمایند کرمان ایالت است این دلیل نخواهد بود که باید مثل آذربایجان جمعیتش شصت هزار نفر یا هفتصد هزار نفر باشد خیلی فرق دارد و اینکه ما میگوییم يك ایالتی مثل کرمان چرا باید مرگش يك نماینده داشته باشد در صورتی است که نتوانسته باشیم يك شهر دوست هزار نفری درست کرده باشیم که دو نفر و کیل بدهیم اما طرف بر وجود و لرستان مقصود آن جا شهرستان ها نیست بطوری که عرض شد چندین طوایف دهات نشین در اطراف هست هم چنین سیلاخور و غیره که پیش از دوست هزار نفر جمعیت دارد ولی این جا مقصود شهر کرمان است نه اطرافش نه ایالت کرمان با توابعش و شهر کرمان و اطرافش هم یقیناً بیش از صد هزار نفر جمعیت ندارد .

رئیس - مذاکره در این باب کافی نیست ؟ (گفتند کافی است)

محل انجنم - کرمان - ماهان .
رئیس - آقای نجم آبادی پیشنهاد شما را بخوانیم یا بفرستیم بکمسیون .

نجم آبادی - همینطور که نوشته ام بفرستید کمسیون بنده هم بیرون در آن جا توضیحات میدهم و مذاکره میکنیم .

حاج سید ابراهیم - بنده در انجنم جزء مخالفم مگر آنجا مذاکره شده است که در شهر هائیکه هست برای هر محلی يك انجنم نظارت معین کنیم و بمقتضای که از مجلس میگردد حق داشته باشد آن انجنم نظارت که شمه معین اند در جاهائیکه لازم بداند باین جهت بنده در کرمان عقیده ام این است که همان صور باشد که يك انجنم کل داشته باشد و توابعش هم هر جا که لازم شد يك شمه تشکیل

بدهد که برای عملیات انتخاب سالم تر باشد و الا اینکه برای کرمان علیحده انجنم جزء قرار بدهند صحیح نیست بهمان ترتیب باشد بهتر است .
محل انجنم مرکزی - کرمان

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) خنامان و خبیص و کوک و سیرج - بی و نورماشیر درختنجان را این تهرود - یکتفر .

دکتر حیدر میرزا - خیلی بی تناسب حوزه بندی شده است خنامان و خبیص و کوک و سیرج خود این ولایات تقریباً باید یکتفر باشد و بهمه جهت نماینده آن جا باید دو باشد زیرا بی و نورماشیر نسبت به خبیص خیلی دور است و این بی تناسب شده است در شور تانی باید اصلاح شود .

رئیس - دوفتر است اشتباه یکتفر خواندند محل انجنم جزء - خنامان خبیص - بی
رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) محل انجنم مرکزی بی

شهبانی - این که محل انجنم مرکزی را بی فرار داده اند صحیح نیست برای این که تمام این جاها مرگش را کرمان قرار داده اند مثلا سیرجان ای آخر همینطور رفسنجان ای آخر تمام را کرمان معین کرده اند مگر خنامان و خبیص را که انجنم مرکزی را در بی معین کرده اند این تناسب ندارد و کلیه بحوزه بندی های کرمان بطوریکه اظهار کردند عقیده ندارم برای این که تمام بی تناسب شده است و درست حوزه بندی نشده است و نسبت بجای دیگر کرمان را خیلی کم میدانم

بهجت - این جا اشتباه شده است یعنی درست نخواندند برای این که اصلا بی جزء این حوزه بندی نیست .

رئیس - بله اشتباهاً خواندند مجدداً درست خوانده شود (مجدداً قرائت شد بعبارت ذیل) خنامان خبیص - و کوک - سیرج یکتفر محل انجنم جزء خنامان و خبیص - محل انجنم مرکزی کرمان بی و نورماشیر درختنجان و این تهرود یکتفر محل انجنم جزء بی - محل انجنم مرکزی - بی سیرجان - یاریز و اقطاع و افشار و بزنجان و ک بردسیر و ساردوئی و دابری یکتفر محل انجنم جزو سعید آباد - اقطاع رابر محل انجنم مرکزی کرمان رفسنجان - انار - نوقت - زرنند - کوهستان و کوهسپایه راور - یکتفر .

دکتر حیدر میرزا - محل انجنم های مرکزی همه جا را کرمان قرار داده اند مگر بیو نورماشیر در صورتیکه اگر همه را نسبت بکرمان که مرکز است بگیرند بیو بیو و نورماشیر را هم باید انجنم مرکزی را کرمان بگیرند و الا اگر بیو و نورماشیر انجنم مرکزی بیو باشد جاهای دیگرش هم نسبت بخودش باید در محل خودش باشد مثلا سیرجان در میان خودش باید مرکز داشته باشد چون خیلی مسافت دارند تا شهر کرمان اینها باید درست بشود محل انجنم جزء رفسنجان - انار - نوق زرنند کوهستان - راور - یکتفر - محل انجنم مرکزی کرمان .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهار نشد) رودبار سیرفت - جبالبارز - اسفندف و مهنی و پشاکرد - یکتفر .

انجنم مرکزی نائین مخالفی نیست (گفتند خیر)
رئیس - عده کل نمایندگان یزد و توابع چهار نفر مخالفی هست (اظهاری نشد) ایل بختیاری يك نفر .

حاج شیخعلی - یکی از نواصی که در نظامنامه انتخابات سابق بود همین مسئله انتخابات ایلات بود که نیک حوزه بندی معنی داشت و نعتی متناسبی و این جاهم ایلات را فقط یکتفر معین کرده است که هر کدام یکتفر انتخاب میکنند و دیگر نه حوزه بندی برای آن ها معین کرده اند و نه محل انتخابی در صورتیکه عقیده بنده این است که يك محلی باید برای انتخابات آن ها معین کرد و این ایلات هم همچو نیست که بی محل باشند و يك محل سکناى شهری یا قریه آنداشته باشند خوب است آنجا هارا مرکز از برایشان معین بکنیم و الا باین ترتیب که ما بش نظر حکومت یا بنظر آن رئیس باشد نتیجه نخواهیم برد .

معزز الملک - بنده تصور میکنم که به انتخابات ایلات بهمان نظری که بسایرین نگاه می شود که در سایر انتخابات آن جهات ملحوظ نیست که باید بهر يك از آنها حق انتخاب یکتفر را داد در صورتیکه بسامشود از حیث عده بصد هزار نفر می رسد يك نماینده باو میدهد برای اینکه يك کسی باشد که بتواند منافع آن ایل را حفظ کند و رابطه بین حکومت و آن ایل باشد و همچنین شاید ایلات دیگر باشند که از حیث عده شاید از صد هزار و دوست هزار زیادت باشد باز هم همین ملاحظه بآنها حق یکتفر نماینده میدهد اما اینکه يك نقطه معین شود برای انتخابات ایلات این دیگر مربوط است بوضع زندگی ایلات چون هنوز معین نشده است که در چه زمان اعلان انتخابات میشود از مرکز و در آن موقع ایلات در چه نقطه خواهند بود در یلاق باشند یا اینکه يك موقعی باشد که در قشلاق باشند معلوم نیست علی ای حال يك نقطه ای لازم خواهد بود برای آنها باین جهت نمیشود هیچ نقطه برای انتخابات آنها معین کرد چون آنها ساکن نیستند و در يك جا نیستند که همه ساکنی داشته باشند خود کیفیت زندگی آنها نیست ما را مجبور میکند که باین طریق نماینده آنها را معین کنیم یعنی ایلات عده حق یکتفر نماینده بدهیم حالا در چه نقطه این انتخابات بعمل خواهد آمد آنرا واگذار میکنیم بتربیت دولت بهر طور که مناسب بداند و مقتضی باشد حکم خواهد کرد که آنها انتخاب نمایند پس دوباره تکرار میکنم که انتخابات ایلات نظری برای انتخابات سایرین داریم و شاید يك فلسفه مخصوصی هم داشته است .

معزز زایانسی - بنده عقیده خودم را عرض میکنم و مخالف هستم باین ترتیب که کلی يك عده حق یکتفر نماینده داده شود ولی حالا در این موضوع نه خواهم صحبت بکنم چون کمسیون در عملیات بهتر دیده است که این کار را کرده است ولی در خصوص ایل بختیاری میخواستیم يك عرضی بکنم که همه میدانید که ما در دوره سابق که حق يك نماینده بآنها دادیم طوری شد که ایل بختیاری نماینده بمجلس نرسد آنجا يك اشکالات خانوادگی دارند جز اینکه دو نفر حق نماینده داشته باشند دیگر چاره نخواهد

داشت خوب است کمسیون يك طوری این مسئله را اصلاح بکنند که مجلس شورای ملی از ایل جلیل بختیاری خالی نباشد .
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد يك پیشنهادی از طرف آقای میرزا ابراهیم خان شده است قرائت وبکمسیون فرستاده شود (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) چون انتخاب یکتفر از ایل بختیاری ممکن نمیشود و مناسبات دیگر هم در پیش است این بنده پیشنهاد میکنم که از ایل بختیاری دوفتر نماینده قبول شود که اشکالی در انتخاب آنجا بعمل نیاید - ایل قشقایی - یکتفر .
رئیس - مخالفی نیست .
حاج شیخ اسدالله - بله این فرمایشی که آقای معزز الملک فرمودند بنده نمیدانم تصدیق بکنم چون همین مطلب هم راجع است بفرمایش ایشان از این جهت عرض میکنم و در خصوص عده این ایلات هم حرف دارم که باید يك نظری بدهم این ایلات بکنیم که هر کدام که بیشتر است و سزاوار است که نماینده داشته باشند حق دوفتر بآنها داده شود و هر کدام که عده شان کمتر است و اهمیت ندارد بکنم بآنها حق بدهند ولی عرضی که بنده دارم این است که ابد هیچ انجنم نظارتشان را اینجا معین نمیکند حالا در چه نقطه معین میشود و کی انتخاب میشود کاری ندارم ولی انجنم نظار آنها باید تعیین شود حالا آنها در چه نقاطی باشند یا در قشلاق و یا یلاق باشند باید در همانجا انجنم نظار تشکیل شود و بآنها اطلاع داده شود که در همانجا مشغول انتخابات شوند بهر حال ترتیب انجنم نظار آنها چه باشد و کیفیت آراء آنها بچه ترتیب باید باشد اینجا ساکت است و هیچ معین نمیکند تماش را مگر کول بوزارت داخله میکنند و بنده اینها را صحیح نمیدانم و باید يك انجنم نظار برای آنها تعیین بکنیم و آن ترتیبی را که برای انجنم نظارشان لازم است و اشخاص را که باید در انجنم نظار ایلات باشند باید معین بکنیم که دوچار محظورات نشویم و اگر همین حال باقی بگذاریم بسااست که یکتفر از طرف يك یا دوفتر رئیس ایل بمجلس می آید و این صحیح نیست و آن نماینده از طرف ایل نخواهد بود و نماینده از طرف یکتفر است **لواءالدوله** - از فرار مذاکره کدر عده ایل قشقایی شده است دفتری آنها را بطور تحقیق شصت هزار خانوار است و معین است که هر خانه چهار یکتفر کمتر نمیشود و اگر حساب بکنیم از دوست هزار نفر متجاوز میشود و باید دوفتر و کیل داشته باشند و اگر حق یکتفر نماینده بدهیم بآن مناسب صد هزار نفری یکتفر بآنها ظلم کرده ایم و اما آن فلسفه که در نظر اولیاء امور است که باید از هر ایلی یکتفر نماینده انتخاب شود ربطی باین ندارد ایل شاهسون که بیست هزار نفرند یکتفر بدهند ایل قشقایی هم يك نفر بدهد و این صحیح نیست باید دو نفر داشته باشند .
رئیس - مذاکرات کافی است - ایلات خصمه فارس یکتفر .

نشده است سابق اقلا درجه اول راوزارت داخله معین میکرد و با وزارت داخله بود و حالا هم باید بنظر وزارت داخله باشد همینطور در خصوص ملل متنوعه يك ترتیبی باید پیش بیاید که اسباب زحمت نشود و نسبت باین ده تا یازده تا نماینده باید يك ترتیبی داد که اسباب زحمت نشود و اشکالات پیش نیاید چنانچه ما نسبت بملل متنوعه دچار شدیم و خیلی هم تمویق افتاد و همینطور ایلات و در صورتیکه زمینه ایلات هم در دستمان بوده و ترتیب آنها باید بطور اجمال هم باشد معین شود و ما فقط نوشته ایم از فلان ایل یکتفر و از فلان ایل یکتفر و این صحیح نیست .

رئیس - این جامطالبی است که در باره هرایل تکرار میشود خوب است پیشنهادی کنید بفرستیم بکمسیون .
ایل شاهسون - یکتفر .
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) ایل ترکمان بیوت و کولکلان - یکتفر .
رئیس - عده کل نمایندگان پنجفر (مخالفی نبود ملل متنوعه - زردشتی - يك نفر) اظهار مخالفتی نشد (ارامنه - دوفتر .

رئیس - مخالفی نیست .
حاج شیخعلی - یکی از طوایف ملل متنوعه که خیلی هم متمکن هستند ارامنه هستند که بنده هیچ نمیتوانم تصدیق بکنم که عده آنها صد هزار باشد یا رسال هم در این خصوص مذاکره شد و برای آنها خیلی سهل بوده عده خودشان را معلوم کنند و نکرده و ما نمیتوانیم يك قسمت و نسبت غیر متساوی در این باب اتخاذ کنیم در انتخابات و باید در حقوق انتخاب تمام مساوی باشند و بنده جهت اینکه بکلمتی که عده آنها بصد هزار نفر نرسد باید دو نماینده بآنها داده بشود نمیفهم و ملت دیگری که عده شان از آنها هم کمتر است و یکتفر بآنها داده ایم برای اینکه از یکتفر کمتر دیگر نمیشود دادو باید یکتفر از آنها در مجلس باشد .

میر زایانسی - ملت ارامنه عموماً و بنده مخصوصاً همیشه در این باب هر وقت مذاکره شده است گفته ایم که ما هیچوقت راضی نیستیم برای مانمانده علیحده انتخاب شود یعنی ما را يك ملتی مستثنی و خارجی از ایرانیها تصور بکنند و ما بگوییم شما بروید یکی دوفتر نماینده علیحده انتخاب بکنید و ما بجهت شایستگی یا دو نفر یا سه نفر نماینده تعیین کرده ایم مقصود ما این بوده است که عرض می کنم و مکرر از تمام هیئتهای رسمی ارامنه عریضه داده شده است بمجلس شورای ملی که ما میخواهیم در انتخابات بلا هیچ فرقی حاضر باشیم و انتخاب بنماییم مثلا بگویند اهل طهران باید دوفتر یا پنجتفر نماینده انتخاب بکنند آ . وقت اهل طهران شامل ارامنه و مسلمین کسکه این شهر هستند علی السویه بشود و ارامنه هم مخلوط با سایرین بروند تذکره بگیرند انتخاب بکنند از مندی در میان انتخاب کنندگان باشد در میان انتخاب شوندگان هم باشد هر کس اکثریت داشت انتخاب شود هر کسی اکثریت نداشت انتخاب نشود این مسئله را آمان نمیکند یکتفر از نمایندگان محترم در اینجا باشد که این مقصود ملت ارامنه از او پوشیده از پنهان باشد لکن برای بعضی ملاحظاتی کمسیونیکه وضع قوانین انتخابات در

دست آنها است متصل ارمانه هر شهری را استثناء میکنند ملل متوجه و ایلات را از سایر ساکنین مملکت استثناء میکنند و میگویند شما بروید یک نماینده انتخاب بکنید ما که مخالف این ترتیب هستیم یعنی آن ملتی که من نماینده آنها هستم مخالف این ترتیب هستیم و این ترتیب را ما قبول کرده ایم و بنا می قبولانند حالا آمده ایم در این موقع که بجهت عملیات این مطلب را بنا می قبولانند و میگویند که باید هر ملتی یک نماینده داشته باشد آقای حاج شیخعلی ایراد میگیرند که هر صد هزار نفر یک نفر بکنند درست در اینجاست ملاحظه شده است باید التفات فرمائید که دیگر در اینجا مسئله هر صد هزار نفر یک نفر بکنند وارد نیست و این ایرادیکه آقای حاج شیخعلی کردند بیچوجه وارد نیست بجهت اینکه بعد از آنکه کلی گفتند باید ملت ارمانه یک یا دو نفر نماینده داشته باشند دیگر ملاحظه صد هزار نفر نمیشود بنده می پرسم از آقای حاج شیخعلی که یک ملتی که سی هزار نفوس دارد یک نماینده میبهند آتوقت یک ملتی که صد هزار نفوس دارد حق ندارد بیش از یک نماینده بخواهد پس اگر تساوی حقوق را میخواهد ملاحظه فرمائید در اینجا چطور تساوی حقوق را ملاحظه میکنند که یک ملتی که صد هزار نفوس دارد میگویند که یک نماینده بدهد یک ملتی هم که ده هزار نفوس دارد آنها هم یک نماینده بدهند و یک ملتی کسی هزار نفوس دارد یک نماینده بدهند در اینجا چطور تساوی حقوق را درست میکنند .

رئیس - گو یا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) کلدانی یک نفر

حاج سید ابراهیم - بنده اشکال دارم در اینکه کلدانیها را یک نفر بدهند بجهت اینکه کلدانیها که علیحده کردند هم در این نظامنامه و هم در نظامنامه انتخابات سابق و اینها را مقابل ارمانه انداخته اند این ظاهرش اینست که کلدانی یک مذهبی است علیحده غیر از ارمانه در صورتیکه ظاهر آیین جهت که اینها هم جزء ارمانه هستند یعنی یک شبه از مسیحی هستند و معلوم نیست که عده آنها هم سی هزار بالغ باشد و یک نماینده علیحده بآنها دادن صحیح نیست و اینکه گفته که یک ملتی که عده اش سی هزار باشد نشود یک نماینده بآنها داده میشود و یک ملتی که صد هزار نفر

رئیس - راجع بآن نیست در زیادی و کمی اگر نظری دارید بگوئید .

حاج سید ابراهیم - غرض این است که یک نفر نباید بانها داده شود و آنها در جزو ارمانه هستند و جزو آنها باید انتخاب نمایند .

معز الملک - بنده برعکس تصور می کنم که کلدانیها باید نماینده از خودشان داشته باشند بجهت اینکه ما اگر رجوع کنیم فلسفه اینکه چرا یک نماینده بهر یک از ملل متوجه میدهم آنوقت این مسئله حل خواهد شد البته اینجا هیچ جای شک نیست که هر یک از نمایندگان نماینده عموم ملت ایران هستند و حقوق عموم ملت ایران را مساوی حفظ خواهند کرد لکن قطع نظر از منافع عمومی هر یک یک منافع خصوصی دارند که باید یک کسی که یک بصیرت تام از حالات آنها دارد باید آن

منافع خصوصی را حفظ بکنند برای همین ملاحظه است که قطع نظر از عده و سایر جهات که در باب انتخاب سایرین منظور میشده است در ملل متوجه عموم منظور شده است و بکلدانها هم یک نفر نماینده داده شده است و باز هم غرض میکنم که نظری که در دادن یک نماینده بانها بوده است نه از حیث قلت و کثرت عدد آنها بوده بلکه نظر باین بوده که یک نفر از خودشان یعنی از طرف خود آن ملت یا طایفه اینجا باشد که منافع خصوصی آنها را حفظ کرده باشد منافع عمومی آنها را که عموم نمایندگان حفظ خواهند کرد .

لواءالدوله - ما اگر بخواهیم بهر فرقه یک نماینده بدهیم ممکن است که فردا یک اشخاصی هم بیایند بگویند در میان ملت اسلام چند شعبه هستند صوفیه شیخیه هستند هر کدام یک وکیل بخواهند اینکه نشود کلدانی هم یک شعبه است از مسیحی همانطور که آقای میرزا یانس اظهار کردند انصاف دادند ارمانه در ایران هستند و ایرانی هستند باید آن ارمانه که سکنه طهران هستند جزء طهران انتخاب کنند آنها که جای دیگر هستند جزء جای دیگر انتخاب کنند که هم انتخاب بکنند و هم انتخاب شوند همین قسم در سایر شهرها فرق نمیکند حالا که آمدند یک نفر بآنها بطور تخمین دادند چه عده دارد که کلدانیها هم جزء آنها بشوند و بنده صلاح نمیدانم که بکلدانها یک نفر علیحده داده شود .

دکتر سعید الاطباء - اینجا مذاکره شد که کلدانیها جزء ملل مسیحی هستند و نباید یک نفر بانها علیحده داده شود آقای معز الملک مطالب صحیحی فرمودند و آن اینست که اولاً حالا ابتدای مشروطه است و تازه مردم میخواهند بفهمند که باید از خودشان یک نماینده انتخاب کنند و تا بحال هیچ یکدیگر مربوط نبوده اند حالا بتوانیم بگوئیم یکدیگر مربوط شوند و یک نماینده انتخاب کنند و اینکه اینجا نوشته شده که تساوی حقوق نشده باشد در واقع اینجا ملاحظه کردیم دیدیم اگر مثل متنوعه را جزء مسلمانها قرار بدهیم که نماینده انتخاب کنند شاید هیچ نماینده از آنها معین نشود باین نظر و باین فلسفه قرار دادند که هر ملتی از خودشان یک نماینده انتخاب کنند تا اینکه آنها آن اطلاعات خصوصی خودشان را اظهار نمایند و حقوق مختصه آنها را حفظ نمایند و با سایر نمایندگان هم در آن مطالبی که راجع به عموم ملت ایران است آن ها هم البته حافظ آن خواهند بود و البته کلدانیها هم عده شان اگر چه ده هزار یا بیست هزار باشد باید داده شود و یک نماینده از خودشان معین بشود

آقا سید حسن مدرس - گو یا ملت محل اشتباه شده است خیلی تعجب میکنم ممکن است مذاهب مختلفه در تحت یک ملت و دارای یک ملت باشند ملت آن است که یک اصلی باشد که آن مذاهب مختلفه در آن اصل شریک باشند مثل ماها که اهل سنت و جماعت در ملت متحد هستیم یعنی اسلام یعنی اسلام اصل مان است میگویند ملت اسلام و نمیتوانند ما را دو قسمت بکنند در ملت از حیث یک یکی هستیم و این فرمایشیکه میفرمایند خیلی محل تعجب است خود مسیحین راضی به تجزیه نیستند و ما نشسته ایم اینجا اینها را قطعه قطعه میکنیم و تجزیه یک مذهبی

میکنیم ملت نصارا هم دارای مذاهب مختلفه هستند لکن در اصل ملت متحدند تمام مسیحی محسوب می شوند دیگر تکه تکه کردن آن ها را یک چیزی است که خود صاحبان مذاهب آن هم بآن راضی نیستند تمام از شعاعت مسیحی حساب میشوند و از یک ملت هستند حالا اگر دو نماینده بانها داده شده است ضرری ندارد لکن به تمام آن ها بآن ها هم داده شود دیگر جدا جدا کردن جهت ندارد

میرزا یانس - از فرمایش آقای مدرس چنین معلوم میشود که انگلیس و فرانسه و روس یک یک ملت هستند ولی ملت که ما میگوئیم وقتی ملت داریم و رای مذاهب و وقتی ملاحظاتی ازادی را در میان بیاوریم و در نظر داشته باشیم خواهیم دید که کلدانی ازادی است علیحده غیر از ارمانه و از حیث مذهب هم یک فرستاده دارند که ارمانه با کلدانیها یکی نیستند اگر درست در وضع زندگی آنها داخل شویم میدانیم و میبینیم که هر کدام یک احتیاجاتی مخصوص دارند که نماینده یک ملت نمیتواند نماینده احتیاجات یک ملت دیگر شود باید نماینده مخصوص هر ملت اینجا باشد مرکز دارالشورای ملی میخواهند که هر ملتی اینجا یک نماینده داشته باشد که احتیاجات و لوازم آنها را ذکر بکنند تا اینکه مجلس بجهت آنها فکری بکند لازم است که از خود آن ملت یک نماینده در اینجا باشد و هیچوقت نمیشود که کلدانی و ارمانه را یکی کرد .

رئیس - مذاکرات ظاهر آکابیت (آقا سید حسن مدرس توضیحی لازم نیست عرض میکنم) **رئیس** - اگر توضیحی هست بفرمائید . **آقا سید حسن مدرس** - ما مسئله انتخاب از نژاد نداشتیم مسئله نژادی در کار نیست ما گفتیم فلان ملت که ایرانی هستند یک نماینده بدهند دیگر بهیچوجه نظر به نژاد آنها نداشتیم .

رئیس - این توضیح نیست . **آقای مدرس** - توضیح است اشتباهی شده است باید عرض بکنم عرض کردم ملت را باید معین کرد ما گفتیم از ملت مسیحی انتخاب شود باینجهت اتحاد در ملت ایران گفتیم نماینده انتخاب بکنند نژادشان فرق دارد ندارد مربوط باین مسئله نیست خصوصیات مذهبی شان اگر فرق دارد فرق ندارد دخلی باین ترتیب ندارد و اختلاف نژاد باعث اختلاف ملت نمی شود .

رئیس - باز هم عرض میکنم که این توضیح نمیشود وقتی که ناطق نطقی میکند و در نطق خودش سوء تفاهمی میشود و مقصود ناطق طور دیگری که خلاف مقصود او است فهمیده میشود میتواند از برای رفع سوء تفاهم توضیحی در نطق خودش بدهد کلی - بکنند .

رئیس - مخالفی نیست؟ (افشاری نشد) **رئیس** - عده اول را بخواهید . **ماده اول** - عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۴۵ نفر است **رئیس** - مخالفی نیست؟ **عمرزا مرتضی قلیخان** - در باب کلیه عده نمایندگان که در این ماده معین میشود بنده مخالفم

مستعی هستم که آقایان درست برایش بنده گوش بدهند رد یا قبول میشود درست دقت شده باشد قانون اساسی در مملکت ما که وضع شد ملاحظه ماده در قانون اساسی نوشتیم که اگر بخواهیم یک ماده را تغییر بدهیم چه باید بکنیم باینجهت محتاج شدیم باینکه رجوع بکنند به عموم ملت و اگر وقتی محتاج شدند باینکه یکی از مواد اساسی را تغییر بدهند رجوع کنند ب مجلس مثل اینکه دو موقعی که قانون انتخابات را خواستند بنویسند رجوع کردند بمرکز همه و از تمام مراکز همه و اطراف رجوع شد بانجمن ابدائی آذربایجان و تمام مراکز و کالت دادند بانجمن ابالتی آذربایجان در تغییر چهار ماده قانون اساسی کراجع بانتهایات بوده و تصدیق کرد پس این چهار ماده که نوشته شده است قائم مقام آن چهار اصل قانون اساسی است یعنی بیارت اخیری اصل چهارم که در قانون اساسی میگوید عده نمایندگان در تمام ایران یکصد و شصت و نوزده نفر است این تغییر کرد و ماده اول قانون انتخابات که در آنجا میگوید عده نمایندگان یکصد و بیست و نوزده نفر است بجای اصل چهارم قانون اساسی گذشته شد این تغییر هم رجوع شده است تمام مراکز همه و ملت تصدیق کرده است آنرا و ما باینجهت یک ملاحظاتی نمیدانیم و این قانون اساسی را تغییر بدهیم و بگوئیم که نمیتوانیم بعضی و هم خیال خودمان قانون اساسی را تغییر بدهیم اگر رای میدهند مجلس که هر یک از مواد قانون اساسی را بشاورد یک کمیسیون تغییر بدهد این مطلبی است ممکن ما گفتیم که قانون اساسی را نمیتوان تغییر داد مگر با رجوع عموم ملت پس این ماده هیچ ممکن نیست بکنند بجهت اینکه باین ترتیب که عرض کردم مخالف با قانون اساسی خواهد شد باید باشد نمایندگان مجلس شورای ملی یکصد و بیست نفر باشد و این یکصد و بیست نفر باید تقسیم شود بتمام مملکت بقره که ممکن است حالا با آن عده که در نظامنامه انتخابات معین شده است که صد و بیست نفر است اگر بخواهیم تقسیم بکنیم اگر جمعیت ایران را دوازده میلیون بگیریم بهر چند هزار نفر یک نفر میرسد و موافق همین میزانکه حالا در دست گرفته ایم که بهر صد هزار نفر یک نفر نماینده بدهند عمل خواهد شد اگر جمعیت ایران را بیازده میلیون که سی کرور باشد بگیریم آتوقت بیشتر خواهد شد یعنی بهر صد هزار یک نماینده کمتر میرسد و هیچ فرق نمیکند کم و زیاد شدن ماخذ تغییر قانون اساسی نمیشود و بنده مخالفم باینکه این صد و بیست نفر را تغییر بدهیم و یک نفر بر او نیفزاییم .

ذکاء الملک مخبر کمیسیون انتخابات در خصوص عده صد و بیست نفر بنده شخصاً اصراری ندارم شاید هم تایلم باینکه بآن عده از این دوره هم عمل شود همین عده اکتفا شود لکن در مسئله اینکه فرمودند اگر ما غیر از این بکنیم مخالفت با قانون اساسی خواهد بود من تصدیق میکنم که ما نمیتوانیم اصل قانون اساسی را تغییر بدهیم لکن این را تصدیق ندارم که اگر ما غیر از این بکنیم یعنی عده زایش از صد و بیست نفر قرار بدهیم مخالفت با قانون اساسی کرده ایم عرض کردم بنده تصدیق دارم که

مانیتوانیم قانون اساسی را تصدیق بکنیم باید وقتی نفس شود باید به ترتیب دیگری بشود اما اینکه کمیسیون انتخابات تجاوز کرده اند از صد و بیست نفر نظر باین داشته است که نفس قانون اساسی نکرده است باین نظر که در آن اصل قانون اساسی که نوشته شده است عده نمایندگان یکصد و شصت و نوزده نفر است یعنی قانون انتخابات فسخ کرده است و طوری فسخ کرده است آن اصل را که خودش بمنزله یک اصل از قانون اساسی شده است بنده تصدیق داشتم آن را لکن یک چیز دیگری هم قید شده است در قانون اساسی که یک حد اقل و یک حد اکثری برای عده نمایندگان معین کرده است میگوید که عده نمایندگان یکصد و شصت و نوزده نفر است و تا دو بیست نفر هم میتواند آن ها را برسانند که حد اکثر دو بیست نفر است و از این قانون انتخابات که ذکر عده نمایندگان را میکند فقط یک امر را ذکر میکند که عده نمایندگان صد و بیست نفر است حالا هر گاه آن اصل چهارم قانون اساسی که تعیین عده نمایندگان را میکند امضاء کرده بود نه تعیین یک عده همبظوری که این ماده قانون انتخابات میگوید که عده صد و بیست نفر است و تا دو بیست نفر است و در هر دو صورت می توانیم بگوئیم این ماده جای او را گرفته است و تصدیق میکردم که این ماده حکم قطعی است بر اینکه عده نمایندگان باید صد و بیست نفر باشد و هیچ تغییری نباید داده شود ولی چون فریند درست است و آن قانون اساسی است که یک حد اکثر و یک حد اقل معین کرد و این ماده قانون انتخابات فقط یک حد اقلی را معین کرد پس میتون قیاس کرد که این ماده قانون انتخابات که میگوید عده نمایندگان صد و بیست نفر است آن حد اقل اصل چهارم قانون اساسی را نقض کرده است که بگوید عده نمایندگان صد و شصت نفر است نه حد اکثر آن را و در حد اکثر آن را فسخ نکرده است که بنا بر این حق دارد مجلس شورای ملی که عده نمایندگان را ملاحظه وده نفر معین بکنند بنابراین که حد اقل را این ماده قانون انتخابات صد و بیست نفر معین کرده است که این ماده هم بمنزله آن جزء از اصل چهارم قانون اساسی است ولی حد اکثر را معین کرد پس میتوانیم بگوئیم حد اکثر همانست که سابق بود باین جهت کمیسیون تجاوز از حد و بیست نفر را مخالف با قانون اساسی ندانست و باین ترتیب رفتار کرد حالا هر گاه نظر باین باشد که کلیه عده را کم بکنیم و بگویند مصلحت در اینست که عده نمایندگان کم باشد و مصلحت اینطور تقاضا میکند بنده هم شاید مخالف نیستم و موافق هم شاید باشم ولی اینست که اگر عده بیش از صد و بیست نفر باشد مخالفت با قانون اساسی ندارد اینجا یک چیزی است که نمیتوانیم تصدیق بکنیم و خواستیم عرض کرده باشم بشرحیکه معروض شد که بهیچوجه مخالفت با قانون اساسی ندارد .

حاج امام جمعه - بنده تصور میکنم که در اینجا دو نظر هست همانطوری که فرمودند یکی آنستکه بیستم اصلح کسدام است زیاد کردن اصلح است یا اکتفا کردن بهمان است که بوده است یکی

اینستکه آقا میرزا مرتضی قلیخان فرمودند که از این زیاد کردن مخالف با قانون اساسی میشود یا میشود در آن کمیسیون سابق که نظامنامه انتخابات را می نوشتند بنده هم بودم و بنده را هم برده بودند بجهت اینکه این با دو تا ماده قانون اساسی مخالفت می کرد یکی آنکه عده نمایندگان کلای ایران صد و شصت و نوزده نفر در موقع اقتضا تا دو بیست نفر ممکن است بشود و این بهر دو ماده مخالفت میشد این بود که بهمه جا تکرار شد و همه جا اختیار دادند در تفسیر این ماده و مواد دیگر از قانون اساسی بانجمن آذربایجان داده اند و با مذاکره و تصویب آنها اینطور قرار شد عده صد و بیست نفر باشند و بنده بنده این ماده هر دو جزء را فسخ کرده است در قانون اساسی یک حداقل و اکثریتی معین کرده بود لکن اینجا دیگر حداقل و اکثر معین نکرده است نه اینکه این ماده قانون انتخابات بموجب جزء اول از قانون اساسی یک حد اقل و اکثر معین کرده بود لکن اینجا دیگر حد اقل و اکثر معین نکرده است نه اینکه این ماده قانون انتخابات بموجب جزء اول از آن اصل قانون اساسی است اینطور تصور نکرده است آنجا گفته بود عده صد و شصت و نوزده نفر و تا دو بیست نفر هم میشود هر دو جزء را یعنی رو بهم این ماده را فسخ کرده است و عرض آن اصل این ماده را فرار داده است که میگوید یکصد و بیست نفر باید باشد این بکنند بود نظر دیگر که او خیلی مهم است و باید آن را خیلی دقت بکنیم و بیستم امروز اصلاح تکثیر عده نمایندگان است یا تقلیل عده نمایندگان است بنده تصور میکنم هر چه تکثیر بکنیم عده نمایندگان را علت تأخیر انتقاد مجلس خواهد شد و معلوم است که تأخیر در انتقاد مجلس چه مایب و مفاسد زیادی دارد اینجا خیلی دقت لازم دارد خصوصاً که انتخابات را هم مستقیم قرار دادیم و بهمه جا حق انتخاب داده ایم درست اطرافش را ملاحظه فرمائید گمان میکنم اگر عده نمایندگان را زیاد قرار بدهیم در آتیه خیلی دچار اشکالات خواهیم شد . در موقع انتقاد مجلس **حاج وکیل آرقایا** - اکثر اشتباهی کرده اند گمان میکنم که اشتباه نکرده باشم اگر عرض کنم که قانون اساسی بجای خودش ساقبت و تغییری اگر لازم شود بعد در مجلس در این خصوص مذاکرات خواهد شد و آن تغییر موقتی بود و در همان نظامنامه معین کردند که بعد از تشکیل مجلس آن رای ثابت معلوم شود گفتند این حکمت گفته این موقتی است اما در خصوص زیاد شدن نمایندگان اگر این مملکت انس گرفته اند در انتخاب کردن که زود انتخاب خواهند کرد و فرقی در که چه اصراری است خودشان باید حق داشته باشند این حق را از آنها نباید گرفت ما باید حق آنها را در هر صورت بانها بدهیم و کیشان را انتخاب بکنند اگر نکردند که ما مقصر نیستیم عده هر چه باشد در هر صورت نصف از نمایندگان اینجا حاضر میشوند که مجلس افتتاح باشد چه نصف از ۱۲۰ نفر باشد چه نصف از ۱۴۵ نفر تفاوتی ندارد لکن آن قدرش را هم عرض میکنم که میتوانیم تصویب

کنیم که تغییر قانون اساسی است قانون اساسی تغییر نکرده است و هر تغییری که بخواهید بنهید این برای مجلس است که تغییر خواهد داد .

افتخار الواعظین - بنده هر چه در باب عده تفکر میکنم بنیمن شاید يك فلسفه بابك علنی سبب شده است که آقایان حوزه انتخابیه را کوچکتر کرده اند و عده نمایندگان زیاد کرده اند میباید این طور نیست گویا همچو تصور شده است در کمیسیون که چون مجلس شورای ملی رای داد که انتخاب مستقیم و بلاواسطه باشد باینجهت حوزه انتخابیه را باید کوچک کرد و عده را زیادتر کرد بنده هر چه تفکر میکنم مناسبتی و مربوطی بین این دو مطلب نیست و هیچ فرق ندارد که انتخابات دودرجه باشد و عده نمایندگان ۱۲۰ نفر باشد یا آن که انتخابات مستقیم و بلا واسطه يك درجه باشد و مهتدا عده نمایندگان ۱۲۰ نفر باشد هیچ فرق نمیکند محل در نظرنامه سابق بخراسان حق داده شده بود که ۲۴ نفر در درجه اول انتخاب نمایند و در مرکز حوزه انتخاب حاضر شوند و از میان خودشان یازده نفر انتخاب کنند و بمجلس بفرستند و کما اینکه همین شکل هم باشد حالا نمیدانم چرا وقتی که انتخاب مستقیم شد باید زیاد باشد چه ضرر دارد که خراسان همان ۱۱ نفر باشد محل سابقاً بآن ترتیب ترشیز باسزوار و کبیل خودش را انتخاب میکرد می فرستاد بشهد در درجه ثانی احتمال داشت که او کبیل باشد و احتمال داشت که در درجه ثانی رد شود حالا این مسئله بواسطه رای مجلس شورای ملی شده است و به ترتیب دیگر و کبیل خود را انتخاب میکنند و می فرستند بمجلس و کلاهی سزوار و قوچان را بنده هیچ علتی و سببی نمی بینم که عده نمایندگان آنجا زیاد شود بامقتضیات امروزه مملکت و با مقتضیات مالی مملکت باین دو جهت ضرر خواهیم کرد و علاجه که از برای این مسئله هست عرض میکنم بپیمان عده که سابقاً و کبیل داده شده بود بولایات و ایالات اکتفا کنیم شاید آقایان همچو خواهند فرمود که هیچ مناسبتی در سابق ملحوظ نشده بود خیر با کمک ملاحظه و مناسبت بوده است منتهی تخمین نمایندگان را آن کمیسیون سابق اینطور تمییز کرده بود و بعد بهر صد هزار نفر تخمین حق یککسر نماینده داده بود امروز هم ممکن است بپیمان نسبت تقسیم شود و حوزه بندیها را بیک قدری وسیع تر نکنند تصور می کنم بهتر است بجهت اینکه اگر عده کمتر شود دوقایمه خواهیم برد و اگر عده زیاد شود دو ضرر خواهیم برد اما آن دوقایمه که داریم یکی این است که بدیهی است که اگر ۶۱ نفر بدهند یا ۷۷ مسلماً ۶۱ نفر زودتر خواهد رسید و مجلس زودتر تشکیل میشود یکی هم از حیث مالی نفع خواهیم برد و اگر عده زیاد کنیم دو ضرر خواهیم داشت یکی اینکه اگر عده نمایندگان زیاد شود اولاً يك ضرر مالی داریم دیگر آنکه قریب سه چهارم طول می کشد که نصف نمایندگان حاضر شوند و زیاد کردن نمایندگان این دو ضرر را داد و بنده میترسم ۱۴ میزان مجلس مدتش منقضی شود و بعد دولت اعلان انتخاب بدهد و باین مقتضیات امروزه نصف بملاوه يك را شرط کنیم انقاد مجلس بتأخیر بیفتد و بنده

بامصالح و مزاج امروزه مملکت مضر میدانم که يك روز بگذرد و مجلس شورای ملی منقذ باشد بجهت اینکه امروز مرکز تمام قوای مملکت مجلس شورای ملی است ولی باین ادله و شواهدی که عرض کرده بنده مخالفم که عده نمایندگان بیشتر از ۱۲۰ نفر باشد و باینده همان ۱۲۰ نفر باشد بپیمان تقسیمات اولیه منتهی انتخابات باید بلا واسطه و مستقیم باشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد شور اول این قانون ختم شد ده دقیقه تنفس است مجدداً بعد از تنفس مجلس چهار ساعت و سه ربع از شب گذشته تشکیل گردید .

رئیس - چند روز قبل دستخطی از والا حضرت اقدس نایب السلطنه اینجا قرائت شد عرض میکنم که هبت وزراء بمقام والا حضرت عرض کرده بودند قرائت شد راجع به پلتیک داخلی و خارجی بنا بود جزئیات آنرا بحضرت اقدس نایب السلطنه عرض بکنند و بمجلس شورای ملی هم پیشنهاد بکنند حالا جزئیات آنرا بمجلس پیشنهاد کرده اند و طبع و توزیع هم شده است چون آقایان وزراء خواهش کرده اند که از این جلسه به بعد جزء دستور شود باید رای بگیریم اگر تصویب شد شروع بکار کرد این لایحه شود .

مهرز الملک - بنده عرض دارم .

رئیس - در موقع شور کلیات بفرمائید .

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند این لایحه جزو دستور امشب شود قیام نمایند (بعضی اظهار کرده اند که جزو دستور نیست) خوبست قلاب کمیسیون رجوع شود .

رئیس - چون دستور تغییر میکنند باید رای بگیریم .

دوباره مسئله را تکرار میکنم - آقایانیکه تصویب میکنند که دستور تغییر بکند و لایحه که آقایان وزراء بمقام نایب سلطنه عرض کرده اند جزئیات آنرا بمجلس فرستاده اند و طبع هم شده است و بین نمایندگان هم توزیع شده است جزو دستور شود قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - موافق دستوری که همین شده است رفتار میشود راپورت کمیسیون ماده واحده - وزارت تجارت مجاز است که بترتیب ذیل در آوردن ماشین آلات چرم سازی جلابانس مساعدت نماید .

ماشین و آلات چرم سازی تا مبلغ ۳۰ هزار تومان ارزش از حقوق گمرکی معاف خواهد بود .

۲ - هر مقدار دواجات وزنك که برای صنعت چرم سازی لازم و مخالف با قوانین مملکتی نباشد جلابانس مجاز است تا مدت پنج سال پس از امضاء باندازه مصارف در کارخانه بدون پرداختن حقوق گمرکی از خارج وارد نماید .

۳ - تا مدت دو سال پس از امضاء اگر جلابانس ماشین و آلات چرم سازی را تهیه نکرده و بکار نیندازد از این دو فقره اختصاص معزوم خواهد بود .

۴ - دو فقره اختصاص مافیت از حقوق گمرکی که دولت برای این اجازه جلابانس میدهد شخصی و بهیچوجه قابل انتقال بغير نخواهد بود .

فقره ۵ - پیشنهاد وزارت تجارت را که حاوی

مافیت جلابانس از تأدیة هرمالیاتی که باین صنعت وضع شود تا مدت ده سال بوده کمیسیون با اکثریت پذیرفته و تصویب نکردند .

رئیس - در کلیات این لایحه مخالفی هست - آقایانیکه تصویب میکنند که داخل در مواد شویم قیام نمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد و راپورت کمیسیون بودجه راجع بورت میرزا جواد مقتول بضمون ذیل قرائت شد .

لایحه وزارت ماله راجع بمیرزا جواد که سه روز قبل از ورود مجاهدین بتهران در درب مجلس شورای ملی مقتول شده قرائت گردید و وزارت ماله پیشنهاد نموده اند مبلغ شش تومان ماهانه و برادر صغیر و مادر و پسر میرزا جواد برقرار شود پس از مذاکره لازم کمیسیون بودجه همین پیشنهاد وزارت ماله را با اکثریت آراء تصویب مینماید .

ماده - مبلغ شش تومان ماهانه سه تومان درباره برادر و سه تومان درباره مادر میرزا جواد مقتول مادام الحیوة برقرار میشود .

رئیس - مخالفی هست اظهاری نشد رای میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند اقتداخت شروع بآخذ اوراق گردید و آقای حاج میرزا رضا خان عده اوراق سفید شماره ۲۷ احصاء نمود .

رئیس - بلاتکلیف ماند - در باب لایحه وزراء آقای معزز الملک پیشنهاد کرده اند قرائت میشود بضمون ذیل قرائت گردید بنده پیشنهاد میکنم کمیسیون مرکب از هشت نفر انتخاب شده لایحه وزراء بآن کمیسیون رجوع شود و با راپورت آن بمجلس میآید .

افتخار الواعظین - يك مشکلی است که تا وقتیکه کمیسیون را معین میکنم بواسطه اعتمادیکه بآن کمیسیون داریم انتخاب میکنم که بر ندهند بنشینند و مذاکره کنند و راپورت بدهند که وقت مجلس کمتر در آن مودع صرف شود و با اعتماد اینکه کمیسیون بطوریکه لازم است فوراً بررسی کرده مذاکرات در مجلس کرده شود ولی بدخترانه در تمام اوضاع اگر عرض بکنم در بعضی عرض میکنم که وقتیکه بکمیسیون رفت و راپورت هم داده شد هیچ ندیدیم که مذاکرات مجلس کم شود اگر چنانچه بمجلس نظر بآن اعتمادیکه بآن کمیسیون دارد که خودش انتخاب مأمور کرده است برای رسیدگی بآن لایحه مذاکرات کمتر شود و فوراً تکلیف او را معین کنند بنده تصور میکنم که خیلی لازم است همچو کمیسیون ولی تجربه بنده نشان میدهد که وقتیکه راپورت کمیسیون میآید گویا هیچ کمیسیون مطالب آنرا رعایت نکرده و نرفته اند و ننشسته اند و مدافه نکرده اند باز ما خودمان بشینیم و از تمام جزئیات آن مذاکره میکنیم چون بنده تجربه حاصل کرده ام تصویب نمیکنیم و آن کمیسیون را ابتدا لازم نمیدانم و تقاضا میکنم که جزء دستور آتی گذارده شود و در خود مجلس شورای ملی مطرح بشود و با اکثریت قطعی این مطلب را رای بدهند .

مهرز الملک - بنده تصور میکنم که اغلب لواهی که رجوع بکمیسیون میشود که در آن مذاکره و مدافه شود فقط برای این نیست مذاکرات

در مجلس کمتر شود بلکه برای يك مقصود عده دیگری است که در ضمن اینکه آن کمیسیون مشغول مذاکره و مدافه است اذهان نمایندگان بتواند در این مدت حاضر شده باشند که وقتیکه این لایحه میآید بمجلس نمایندگان از روی يك تصویبنامه بتوانند اظهار عقیده در آن بکنند همان طور که گفتند از روی تجربه دیده ایم نشده تصور میکنم که تجربه هم با نشان داده است که اغلب مطالبی که بمجلس آمده است وفوری در مجلس مطرح شده است و گذشته است دوچار اشکالات عده شده ایم و چقدر اسباب زحمت فراهم شده است .

ولی اول برود بکمیسیون آن کمیسیون که می نشینند رسیدگی میکنند و يك مطلبی را تهیه میکنند و بمجلس میآورد این يك چیز فوق العاده نیست و جهت اینکه امشب هم مجلس رای نداد که جزء دستور امشب گذاشته شود این بود و البته یقین دارم که مجلس تصویب خواهد کرد که جزء دستور آتی گذاشته شود و تا جلسه آتی هم البته راپورت آن از کمیسیون خواهد رسید .

رئیس - در اینکه هر لایحه باید يك کمیسیونی برود حرفی نیست در اینباب رای نخواهیم گرفت باید رای گرفت که يك کمیسیون مخصوص انتخاب شود پانه آقایانیکه تصویب میکنند که يك کمیسیون مخصوص برای این امر تشکیل شود قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد حالا در باب عده رای میگیریم .

آقایانیکه تصویب میکنند که عده ۸ نفر باشد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - بعد از اینکه جلسه ختم شد آقایان باید این عده را انتخاب نمایند دستور شب چهار شبه مطلب مهمی که جزء دستور بگذاریم نداریم جز این لایحه وزراء

سلیمان میرزا - این را حالا اگر ما بخواهیم جزء دستور آتی بگذاریم شاید تا جلسه آتی راپورت کمیسیون حاضر شود و ممکن هم هست که اگر راپورتش هم آمده باشد راپورتش طبع و توزیع نشده باشد و وقتی بنشیند که در آن خصوص وقت نشود این لایحه شامل مسائل مطالب اساسی مهمی نیست و سرسری نباید باو ملاحظه کرد باید خیلی دقت کرد بنا بر این تا چند ساعت بیشتر از آن آن لایحه را ندهند نمیتوانند بفهمند اگر موافقت بکنند پس از طبع و توزیع جزء دستور بگذارند تا يك مطالبه و دقت درستی در آن بکنند .

رئیس - عرض کردم مسئله مهمی نداریم فقط راپورت کمیسیون بودجه و این قبیل چیزها هست اگر تصور میکنید که راپورت حاضر نمیشود جلسه را شب پنجشنبه قرار میدهم و انشاء الله تا آن وقت راپورت رسیده است مخالفی نبود و جلسه آتی شب ۵ شبه معین گردید مجلس ساعت و ربع از شب گذشته ختم گردید .

جلسه ۲۸۹

صورت مشروح مذاکرات شب پنجشنبه ۶ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۶

آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس ساعت ۳ از شب گذشته بکرسی ریاست جلوس نمودند و پس از پنج دقیقه بمجلس رسماً تشکیل یافت (آقای میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را قرائت کردند)

اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد آقایان ناصر الاسلام - آقا میرزا احمد - اسدالله خان کردستانی - آقا سید محمد باقر ادیب بدون اجازه غایب بودند آقایان آقا میرزا رضای مستوفی با اجازه غایب بودند آقایانیکه از وقت مقرره تخطف کردند شاهزاده سلیمان میرزا یکساعت و نیم دکتر اسمعیل خان یکساعت حاج امام جمعه ۵۰ دقیقه شریف العلماء - میرزا علی اصفهانی ۴۵ دقیقه حاج مصدق الممالک ۴۰ دقیقه حاجی سید نصرالله ذکاء الملک حاجی وکیل الرعایه حاج شیخ الرئیس کاشف میرزا بانس ۳۵ دقیقه حاج میرزا رضاخان نجم آبادی آقا شیخ غلامحسین نیم ساعت .

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟

انتظام الحکماء - در صورت مجلس نوشته شده است که آقای لواء الدوله ۵ نفر زیاد میدانستند و بنده موافق بودم و حال آن که بنده ۶ نفر را هم کم میدانستم و پیشنهادی هم کردم فرستادم آن را هم قید نکرده اند باید قید شود در پیشنهاد خودم توضیح دادم .

نایب رئیس - اصلاح میشود صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد و راپورتی است از سردار محیی که بتوسط آقای رئیس الوزراء بمجلس فرستاده اند خوانده میشود (عبارت ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس شوی ملی شیداالله ارکانه - مشروحه از آقایان سردار محیی و معین همایون بعنوان مجلس مقدس رسیده بود لطفاً فرستاده و ملاحظه فرموده بنظر نمایندگان محترم خواهد رسید تفصیل قیام نمایان اردوی منصور را هم نوشته اند که خلاصه آن بطبع میرسد و از نظر شریف میگردد .

مقام منبع دارالشورای کبری شیداالله ارکانه مخضری از جنگ روز جمعه سلخ ماه که در نزد يك عباس آباد خاک سواد کوه اتفاق افتاد شرح مفصل او را بمقام ریاست وزرای عظام داشت شو که عرض و خاطر مبارک نمایندگان محترم را از مجمل آن مستحضر مینمائیم عده اشرار ۳ هزار نفر سوار و پیاده فرمانده کل اسمعیل خان مراد خان با پسرانش سر کردگان جزء لطف علی خان برادر اسمعیل خان برادر های رشید السلطان و انتظام لشکر خواجوند عرض خان ترکان الحاصل غیر از محمد علی میرزا و اشعاع السلطنه تمام سر کرده گان او بادو عراده توپ بودند فدائیان و جناب سالار بهادر کدر واقع بهادری است بی مثل و مانند بابك ۱۵۰ نفر سوار بختیاری و مجاهد حال بفضل خدا و اقبال دولت مشروطه تصمصم و حمله نمودیم يك ساعت بعد از ظهر تسلیم فتح و فیروزی ورید سر کرده گان تجدیداً غیر از اسمعیل خان و مرادخان که فرار کردند

معلوم نیست ولی میرنجه استر آبادی محمدحسین خان تویخانه و انتظام لشکر خواجوند شکر الله خان هزار جریبی عرض خان ترکان لطف علی خان برادر اسبیل خان محققاً کشته شده مقتول از يكصد نفر بیش اشرار را تا بحال شصت نفر بارود آوردند شکر خدا را بجای آوردیم و امیدواریم بزودی نمایندگان را از نگرانی این صفحات آسوده نمائیم (اطلاعاً مرض میرساند سردار محیی - معین همایون از طرف عموم نمایندگان تحسین گفته شد)

نایب رئیس - بطوریکه در صورت مجلس ذکر شد دستور امشب لایحه وزراء بود ولی میدانید که قبلاً باید در کمیسیون مذاکره شده راپورت بدهند تا در دستور گذاشته شود ولی آن راپورت هنوز تکمیل نشده است و چیزی هم حاضر نیست که در دستور بگذاریم بنظر بنده لایحه که در باب اراضی قراب هریستان که مدتی است بکمیسیون رجوع شده و راپورت آن آمده است خالی از اهمیت نیست اگر مجلس رای بدهد تصویب بکنند داخل مذاکره آن شویم مخالفی هست ؟

ارباب کبیر - بنده مخالفی ندارم بملاوه تقاضا میکنم راپورت راجع بقنات کنسویه بزد هم چون خیلی محل احتیاج است در دستور گذاشته شود .

افتخار الواعظین - طرحی پیشنهاد شده بود از طرف چند نفر آقایان محترم در باب باغات دولتی که وقت هم گذشته است و کمال اهمیت را هم دارد و رجوع شده بود بکمیسیون مبتکران کمیسیون هم راپورت خود را داده است اگر چنانچه آقایان محترم تصویب بفرمایند آن راپورت جزء دستور گذاشته شود (بعضی تصدیق کردند)

کاشف - قانون شرکتهای مدنی است از کمیسیون فواید عامه گذشته است و بنده گمان میکنم یکی از قوانین مهمه است اگر جزء دستور گذاشته شود بموقع است و خیلی مهم است .

نایب رئیس - قانون شرکتهای هینطوری که بفرمائید خیلی اهمیت دارد ولی بعضی نظرات در آن هست که باید آن نظرات بشود بعد جزء دستور گذاشته خواهد شد .

مختصر السلطان - در خصوص اراضی قراب که اظهار شد راپورت آن جزء دستور گذاشته شود چون خیلی اهمیت دارد و باید بعضی نظرات در آن بشود و افکار هم برای آن حاضر نیست باین جهت بنده عرض میکنم که نمیشود فوراً جزء دستور گذاشته شود .

نایب رئیس - باید رای بگیریم حالا رای میگیریم در این فقره هر يك از آقایان که تصویب میکنند راپورت کمیسیون بودجه در باب اراضی قراب که جزء دستور گذاشته شود قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

نایب رئیس - رد شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بقنات کنسویه بزد جزء دستور هم هست محتاج برای نیست و چند مرتبه جزء دستور آمده و موقع قرائتش نرسیده حالا اگر مخالفی نیست جزء دستور گذاشته شود (چون اظهار مخالفی نشد عبارت ذیل قرائت شد)

از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی - لایحه وزارت مالیه راجع به شکست قنات کسنویه بزد و معز آباد واقع در بزد قرائت گردیده چنانچه سابقاً وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند چهارصد تومان نصف مالیات کسنویه معز آباد تخفیف داد. شده بود حالیه نیز نظر بشکست و خرابی قنات مزبوره وزارت مالیه نصف دیگر بقیه مالیات کسنویه تخفیف داده شود تا این که مالکین قنات مزبوره شروع بآبادی آن نقاط نموده پسنداز آن که محصولی دست داد مجدداً از روی تعدیل مالیات دریافت شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بموجب ماده ذیل تخفیف بقیه مالیات کسنویه را تصویب مینماید .

ماده - مبلغ چهارصد تومان نصف دیگر مالیات کسنویه و معز آباد تخفیف داده میشود .
آقامیرزا ابراهیم خان - بنده از مخیر محترم کمیسیون بودجه خواستم شوال کتم اصل این مالیات چندبر بوده است چون ابداً معلوم نکرده که اصل مالیات چقدر بوده است و آنچه مجلس تخفیف می دهد چه هست خواهشمندم که توضیحی بدهند که معلوم شود اصل مالیات چقدر بوده و این تخفیفی که مینهند چقدر است .

حاج عز الممالک (مخیر کمیسیون بودجه) اینجا در راپورت توضیح شده است و مجلس در سابق رأی داده که نصف مالیات آنجا که چهارصد تومان است تخفیف داده می شود بر حسب تصویب انجمن ولایتی و تصدیق حکومت آنجا بدمم شرحی از صرف وزارت مالیه نوشته شده است بمجلس که مطابق تصدیق انجمن این نقطه ابداً آبادی ندارد و چیزی ندارد که قابل دادن مالیات باشد کمیسیون هم رأی داد که نصف دیگر شما هم تخفیف داده شود چون در آنجا آبادی ندارد هر وقت آن جا آبادی پیدا کرد هر قسم که از برای سایر املاک قرار دادند آن جا هم مثل سایر املاک مالیات خواهند داد عیناً چون چیزی ندارد نمیشود مالیات گرفت در این صورت کمیسیون هم رأی داد که این مالیاتی که بهیچوجه وارد نیست تخفیف داده شود

افتخار الواعظین - بنده هیچ علت آمدن این شکل لوائح را به مجلس شورای ملی نمیدانم چیست و وزارت مالیه بجهت چه ارجاع این گونه لوائح را به مجلس لازم میدانند و تصویب مجلس را میخواهد در صورتیکه تکلیف وزارت مالیه در ذیل یک قانون مصوبه معین شده است در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی تصریح شده است که چنانچه یک خرابی برای جایی دست بدهد یا بجهت بیاره سوانح آسمانی یک محل مستحق تخفیف بشود فقط چیزیکه شرط است تصدیق انجمن ایالتی و ولایتی است که تصدیق کند که این محل محتاج به تخفیف است و وزارت مالیه بعد از تخفیف خواستن انجمن خودش میتواند تخفیف بدهد حالا در صورتی که وزارت مالیه لایحه خودش مینویسد که انجمن بزد تصدیق کرده است که این تخفیف را باید داد و دو فریه است که بکلی خراب و قنات او شکسته و از میان رفته است و مغروریه است و بهیچوجه من الوجوه محصول ندارد ولم بزرع است دیگر نمیدانم برای همچو جایی چه شکل مالیات ممکن است گرفت و چطور تخفیف میخواهند و پس از آنکه انجمن تصدیق کرده

است دیگر تصدیق او کافی است و وزارت مالیه محتاج با رجاع مجلس بهیچوجه نیست .
ارباب گیخسر و بنده اگر چه افتخار الواعظین را موافق دیدم و مقصود دیگری داشتند لکن چون وقتی که خاطر آقایان و کلاه مسبوق نیست نمیدانند چه جور رأی بدهند این است که بعضی مطالب محض ندانسته آن ها و ندانند توضیحات همینطور محصل میباشد نه رد میشو نه قبول در وقتی که این لایحه آمده بود بنده توضیحاتی در این باب دادم و حالا لازم دانستم عرض کنم کلبه این قنات شصت سال است رو بخشگی گذاشته است و ۴۰ سال است بکلی خشک شده اهل این ده حتی آب حمام شان را هم از جاه چهل ذره می کشند و خیلی موافق است با عدالت که این تخفیف داده شود که مردم اهالی آنجا وضع حالیه و گذشته را ببینند که چیست و بدانند که نظر اولیای امور این است که بارهای سنگین آنها را تخفیف بدهند بنده از این جهت عرض میکنم که اینجا هیچ آبادی ندارد فقط موقوفاتی دارند که بجهت برگذار کردن موقوفاتشان آن جا میمانند و میروند جاهای دیگر کسب میکنند و میآیند آنجا موقوفاتشان را برگذار میکنند بنده فقط محض توضیحات عرض کردم که خاطر آقایان مسبوق باشد و بدانند که حال آن جا و اهالی چیست .

نایب رئیس - مذاکرات کافی است رأی میگیریم در باب راپورت کمیسیون بودجه هر یک از آقایان که تصویب میکنند تخفیف این چهارصد تومان را ورقه سفید خواهند داد و هر یک تصویب میکنند ورقه آبی اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان احصا نمود بدین قرار اعلام نمود اوراق سفید ۶۵ لایقره یک

نایب رئیس - با اکثریت ۶۵ رأی تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بقره مشهدی محسن مجاهد خواننده میشود - بعبارت ذیل قرائت شد -
لایحه وزارت جنگ راجع بشهدی محسن مجاهد مقتول که در راه حریت شهید شده قرائت گردیده وزارت جنگ نظر باسحقاق ورثه آن مقتول پیشنهاد نموده اند مبلغی بقره حقوق داده شود پس از مذاکرات لازمه مطابق پیشنهاد وزیر جنگ با اکثریت آراء ماده ذیل رأی داده شد .

ماده - مبلغ شش تومان ماهیانه نامتد پانزده سال بقره مرحوم مشهدی محسن مجاهد مقتول شرح ذیل داده میشود -

۱- والده آن مرحوم ۲۰ قران ۲- متعلقه آن مرحوم ۱۰ قران ۳- محمد آقا پسر دوساله اش ۳۰ قران ۴- صبیبه چهار ساله اش ۱۰ قران

معدل الدوله - در این مسئله حرقی نیست که حقوق هر کسی را که خدمت کند بملک و دولت بایستی منظور کرد اما وقتی که بی ترتیب این حقوق را مامنظور میکنیم مسلم است که هم آنکه خدمت کرده است بیاداش خدمت خودش نمیرسد و هم اسباب تجری بعضی میشود و بعضی خواهشهای بیجا میکند راجع بمحل مجاهدین مکرر در مجلس مذاکره شده است که کلیتاً باید در تحت یک ترتیب و قاعده باشد یک ترتیبی وزارت جنگ در این باب بدهد که معلوم شود که هر کس چه اندازه وجه ترتیب خدمت کرده و باید اینقدر حقوق باو داده شود و اما بی ترتیبی یکی

این حقوق بمجلس آامن جز گدا کردن آن ورت چیز دیگری بر آن ها نتیجه ندارد ملاً قاضا میکنند که ماهی دوتومان باو داده شود این معلوم نیست که چه درد او را در میآید اگر چنانچه واقعاً باید حقوقی بآن ها داده شود باید معلوم گردد درجه خدمت و مجاهدت او را حقوقی بآن ها داده شود و برای ورثه او تماماً کمالاً حقوقی منظور کرد و پرستاری معین گردد آن ها را نگاهداری کرد و در حقیقت یک ترتیب کلی باید داد که بعضی بعضی نباشد بنده باین نظر بکلی مخالفم باینکه یکی آمدن این قسم لوائح بمجلس و رأی گرفتن که بعضی رأی گرفته میشود و بعضی رأی داده نمیشود بعضی یک ترتیب عبور میکند که همه رأی میدهند این اسباب خاطر جمعی است و گدائی و فنگرانی و پریشانی خاطر جمعی دیگر از این جهت بنده مخالف هستم این بود عرض بنده

حاج عز الممالک مخیر کمیسیون - اولاً گویا ترتیب بهتر از این نباشد که وزارت جنگ تحقیق حال یک کسی را بکند و پیشنهاد بمجلس بکند و کمیسیون بودجه هم لایحه وزارت جنگ را تحقیق و مذاقه کنند و راپورت بدهد و از مجلس بگذرد بیشتر از این گویا نمیشود دقت کرد در باب این آدم هم گویا خدمتی از این بالاتر نباشد که جان خود را در راه ملکات نثار کرد کمیسیون هم اگر میتواند پیشنهاد وزیر چیزی اضافه بکند میکرد لکن افسوس اینجا است که نمی توانست زیاد بکند و فقط میتواند بهمان پیشنهاد وزیر رأی بدهد البته بعد از این هر یک از مجاهدین حساب و لاحق خودشان را بوزارت جنگ معرفی بکنند بمجلس پیشنهاد خواهد شد و البته تحقیق هم خواهد شد که معلوم شود چه خدمتانی کرده اند و لابد در یادش خدمات آن ها با در حق خود آن ها با در حق وراثت آن ها مجلس شورای ملی هم همینطور تصویب میکند (جمعی تصدیق کردند)

نایب رئیس - مذاکرات کافی است گفته بدله کافی است) رأی میگیریم در باب راپورت کمیسیون بودجه راجع بورات مشهدی محسن مجاهد مقتول که شش تومان در ماه بقره او داده شود هر یک از آقایان که موافقت ورقه سفید و هر یک که مخالفند ورقه کبود خواهند انداخت

اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء و بدین قرار اعلام نمودند اوراق سفید ۷۵ ورقه آبی یک

نایب رئیس - با اکثریت ۷۵ رأی تصویب شد

حاج عز الممالک - راپورت کمیسیون بودجه راجع به فتح الله خان مجاهد چندی بود که جزء دستور بود و بواسطه آنکه توضیحاتی داده نشد بلا تکلیف ماند بنده تقاضا میکنم جزء دستور شود و بنده توضیحاتی بدمم در این خصوص رأی گرفته شود

نایب رئیس - تقاضا میکنید که در جلسه آتی جزء دستور بگذاریم یا همین امشب در دستور گذاشته شود

حاج عز الممالک - همچو اهمیتی ندارد که جزء دستور جلسه آتی باشد آن روز بواسطه آنکه توضیح داده نشد بلا تکلیف ماند ورد نشده اگر آقایان تصویب می کنند امشب مذاکره و رأی گرفته شود .

نایب رئیس - چون راپورت حاضر نیست میماند برای جلسه آتی به جلسه آتی شب یکشنبه راپورت کمیسیون ۸ نفری در باب لایحه وزراء اگر رسید که دستور همان خواهد بود والا راپورت کمیسیون بودجه در باب اراضی قیلاب هرستان و راپورت کمیسیون بودجه راجع بقره فتح الله خان مجاهد ایضاً راپورت کمیسیون بودجه در باب یعنی خان قزاق .

حاج آقا - بنده با اینکه منتظر بودم که این لایحه امشب از کمیسیون آمده باشد بمجلس بازمجو استنباط کردم از فرمایشات آقای نایب رئیس که معلوم نیست در جلسه آتی هم بمجلس بیاید چون تجربه خیلی کرده ایم که هر لایحه که بکمیسیون برود خیلی معطل میشود حتی اینکه بعضی لوائح بطوری در کمیسیون معطل مانده که مدفون شده و علاوه بر این لایحه راجع بقانون شرکته ها که یک شوره در آن شده و یک قانون مهمی است خوب بود تا کبید کنید که حاضر شود و آنها هم موضوع مذاکره فرار ندهند و یک مدتی وقت مجلس صرف آن ها نشود علاوه بر این یک شوالی هم بنده کرده بودم از وزارت داخله راجع باقای معاضد الملک و حاضر نشدند مستعفی هستم تا کبید بفرماید که حاضر شوند و جواب شوال مرا بدهند چون مدتی است که چندین مرتبه بنده تقاضی کرده ام که حاضر شوند و حاضر نمی شوند .

نایب رئیس - در خصوص کمیسیون امشب منعقد میشود و ز راهم امشب خواهند آمد و مذاکره خواهد شد امیدواریم زود تر تمام بشود کوتاهی نخواهد شد .

منتصر السلطان - بنده هم در دستور تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون انتخابات را اگر تمام شده برای شوردوم جزء دستور نگذارند اگر تمام نکرده اند از طرب هیئت رئیسه تا کبید بفرماید که کمیسیون تشکیل شود که شور دومی را تمام کند و جزء دستور بشود قانونیستی هم مدتی است که شوراوش تمام شده و دیگر بمجلس بر نگشته و این قانون ها همینطور در کمیسیون ها میماند و در این دوره نخواهد گذشت خوب است کمیسیون ها بهتر از این کار بکنند یکی هم قانون شرکته ها را که آقای حاج آقا تقاضا کردند بنده هم تقاضا میکنم که به کمیسیون تا کبید شود که زیاد تر مراقبت بکنند که بمجلس بیاید و جزء دستور شود .

آقا سید حسن مدرس - در قانون شرکته ها نظری شده است و نباشد که آقای رئیس چون ترتیب این قانون شرکت ها را ایشان داده اند بنشینند و مجلس بکنند و حضرت آقای حاج امام جمعه هم شریف بیاورند و آن مجلس فراهم نماید از جانب ما ها قصوری و تقصیری نشده است قانونیستی را هم چند مرتبه آوردند که مذاکره شود معاون وزارت پست با بعضی ها آمدند بعضی موادش را بردند که ملاحظت خودشان را بکنند پیش آنها معطل مانده است پیش ما معطل مانده و دیگر پیش ما نیاورند و الا ترتیبش داد میشد و تقصیری از ما نبوده است

حاج شیخ اسدالله - بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون بودجه راجع به ورتنه مرحوم آقا سید ریحان الله که طبع و توزیع هم شده و یک اندازه اهمیت میدهد بنده این مطلب را همچنانکه نسبت به مجاهدین تشویق میکنم خوب است نسبت بروحانین هم تشویق بکنیم و جزء دستور گذاشته شود .
نایب رئیس - در یک جلسه که نمیشود در جلسات دیگر در دستور گذاشته خواهد شد (مجلس چهار ساعت الاربیع ساعت از شب گذشته ختم شد)
جلسه ۲۹
صورت مجلس شب یکشنبه ۹ شهر رمضان ۱۳۲۹
مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح گردید .
آقای میرزا ابراهیم خان صورت مجلس شب یکشنبه را قرائت نمودند (غائبین جلسه قبل) بدون اجازه - حاج سید نصرالله - آقا میرزا احمد - میرزا اسدالله خان - آقا سید حسین اردبیلی معز الملک - دهخدا - آقا سید محمد باقر ادیب - آقا یانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند - آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت و نیم طباطبائی - حاج مصدق الممالک یکساعت و ربع حاج امام جمعه - نیرالسلطان ۵۰ دقیقه آقا سید محمد رضای مساوات ۵ دقیقه وحید الملک - متین السلطنه - آقا شیخعلی شیرازی - آقا شیخ رضا - آقا میرزا بانس - سلیمان میرزا نیم ساعت .

تجدید نظر رجوع برای نایندگان جدید خواهد نمود و هرگاه با اکثریت دو نك آراء را از دولت مزبور رأی پنجده نظر داده شد رأی ملت معلوم و شروع بذاکرات راجع بآن خواهد شد
۳ - چون پایه هیئت دولت بقدر کفایت مقتدر بوده و اختیاراتیکه لازمه تمهید مشوریت هیئت را دارا باشد و در انجام تکالیف خود قطعاً مصالح مملکت را در نظر گرفته از القاءات اشخاص با مجامع غیر مشول بهیچوجه متأثر نشده در موافقتیکه این قبیل اشخاص یا مجامع عقاید خود را بدون اطلاع و رجوع باولیای مشول امور بوقع اجرا میکنند آنه و یا بواسطه بعضی اقدامات از قبیل انتشارات مجعول یا تشکیلات خفه یا مشوب کردن افغان در صدد تضعیف قوای دولت بر میآیند فوراً از آنها جلوگیری نموده مرتکبین را مجازات خواهند داد ۴ - چون باید دولت امر کز قوای مملکت اهتمام فوری کرده از عدم مرکزیت و تشتت اقتدارات جلوگیری نماید برای ابقای این مقصود تجدید نظر در قوانین انجمنهای ولایتی و ایالتی و بلدی با استفاده از مستشار هائیکه از اروپا جلب شده اند لازم است و بمجلس پیشنهاد خواهد شد و چون در قوانین انجمنهای بلدی حق انفصال بدولت داده نشده است قبل از آنکه نتیجه تجدید نظر معلوم و قانونی شده دولت در انفصال آنها معتبار خواهد بود - اشخاصیکه بواسطه نقذ قوانین شرعی که بایستی برای قوانین اساسی نوشته شود از اجهام و اجمال قوانین مزبوره استفاده کرده محل نظم و آسایش عموم میشوند و باستناد بطواهر قوانین مجمل و مبهم بوسیله انتشارات یا وسایل دیگر با اقدامات دولت ضدهت مینمایند و حتی بعضی اوقات برای اجرای مقاصد خود و قوانین ممالک دیگر متوسل میشوند باید دولت در جلوگیری و دفع ضرر آنها معتبار باشد و کبید از مقاصدیکه ممکن بر سوء تأویل مجعلات قوانین مترتب کشور جلوگیری نماید .

۶ - چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت دو منظور اساسی در نظر دولت است ایجاد قوای منظم کافی و هیئت تشکیل زاندر امری مرتب در تحت اداره و تعمیم صاحبان صنایع سوئمی لازم است برای ایفای این مقصود دولت اقدامات لازمه را نموده لوازمی را که برای ترتیب جریان این مقصود و تکمیل آن لازم بداند بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد ۷ - بعضی ادارات و تأسیسات که بدون اقتضای ضرورت و از روی عدم تجربه ایجاد شده و بقای آن ها با احتیاجات فعلی مملکتی متناسب نیست بلکه موقوف کردن یا تخفیف دادن آنها از نقطه نظر مالیه و منضیبات مملکت لازم است باید دولت در تخفیف یا حذف و ابقاء آن ها معتبار باشد

۸ - در باب اصلاحات اساسی وزارت عدلیه دولت مشول مطالبات لازمه بوده و پیشنهادی بمجلس شورای ملی خواهد کرد و قبل از آن که ترتیب مزبور پیشنهاد شده و صورت قانونی پیدا کند هم اختیاری برای دولت لازم است که باقتضای وقت و موقر اقداماتی را که برای اجرای عدالت لازم میدانند بنماید

۹ - مادام که قانون مجازات از مقامات مقننه نگذشته است و باید دولت در دادن مجازات به ترتیبیکه هیئت وزراء قانون موقتی را مرتب خواهند نمود مختار باشد بدیهی است که پلنیک داخلی هر مملکت باید تا یک اندازه بوضهت پلنیک در روبا طخارجه آن

۱ - تا یک اندازه بوضهت پلنیک در روبا طخارجه آن

مملکت مربوط است و مادام که ملتیک خارج یک مملکت مستقیم و مال اندیش اتخاذ نشده منظور است دولت در پیشرفت ملتیک داخلی نیز دچار اشکالات خواهد شد بنا بر این دولت باید در روابط خارجی روشی اتخاذ نماید که همراهی و اعتماد دول متجا به خصوصاً دولی را که اهمیت و روابط آنها مسلم است نسبت بدولت حاکمه جلب نماید و افکار عمومی نیز باروشیکه هیئت وزراء اتخاذ میکنند مساعد و همراه باشد .

رئیس - مذاکره در کلیات است مخالفتی نیست بمذاکره رجوع این لایحه بکمیسیون یک انماز مورق را برگردانید یعنی مذاکره آنیکه اسم پروگرام باین لایحه گذارده شد دیگر نمیشود مخالفت کرد و باین موقعیکه می بینیم و باین اعتمادیکه بوزراء داریم نمیشود پروگرام یک همچو وزرائی وارد کرد یعنی رد کردن این پروگرام عدم اعتمادیکه به کابینه است و در این موقع نمیشود باره تقصیرات که مستلزم عدم اعتماد بکابینه است نمود این است که از این لحاظ بنده نمیتوان اظهار عدم اعتماد کنم زیرا کمال اعتماد را باین کابینه دارم ولی از آن طرف هم این لایحه چیزهایی دارد که اگر چه ورقه سفید هم بدیده باید آن نظرات را بکنیم که موکلین ما نگویند که اینها منتف بعضی امور نشده و اصلاح ما مملکت حرف نزدند اینست که چون در بعضی فقرات این لایحه نظرات هست باید بگویم که منتف هست و آنها را ما باید رد بکنیم یا اینکه حق نداشتیم که داخل در آن بشویم اینست که مخالفت بنده نه از اینرواست پروگرام وزراء را رد کنیم بلکه کمال موافقت را با پروگرام وزراء داریم ولی در این لایحه بعضی موادی می بینیم از قبیل ماده دوم و بعضی مواد دیگر که بنده واقفا هر چه فکر میکنم معنی آنها را نمیدانم و چون آنها را یکی یکی بشمرم که چه چیز است و همین قدر عرض میکنم که بنده یکی از وکلای هستم که اگر ورقه رأی داده شود تماماً با این لایحه همراه هستم ولی نظرات خودم را هم باید عرض کنم و درموادهم که مذاکره شد شاید عرض خود را بکنم و چون کمال اعتماد را بکابینه وزراء دارم و اگر بعنوان پروگرام این را نمی آورند - این باعث نمیشد که اسباب نزلزل کابینه وزراء بشود اگر چه می بینیم بعضی از وزراء خصوص آقای رئیس الوزراء یکس قدر از کار کنار نمیکشند ولی با نزاکت و بعضی ترتیبات دولت مخالف است اینست که این صحبت را نباید کرد و اگر هم قبول شد نظر باعتماد بوزرا است لکن نباید این را بعنوان پروگرام بیاورند .

حاج آقا - بنده در کلیات این لایحه و همچنین در تمام مواد چیزیکه خارج از اختیارات دولت باشد چون نمی بینم باین جهت تصور نمیکردم در کلیات یا در موافقت اظهار مخالفتی یا اعتراضی بشود چه بصورت لایحه اگر در مجلس شورای ملی وارد میشد یا بعنوان پروگرام وزراء بواسطه اینکه این مواد را هر قدر که بنده مطالعه کردم چیزیکه از حقوق دولت خارج باشد در این ندیدم و وقتیکه داخل شدیم در مواد اگر گفتگویی شد بنده هم نظرات خودم را عرض میکنم ولی همینقدر در کلیات این لایحه عرض میکنم چون موافقت هیچ از حقوق و

حدود دولت خارج نیست در کلیات هم ابتدا گمان نمیکند که از وظایف و حدود آنها خارج باشد و نیست بماده دوم که اشاره شد بنده تصور میکنم که آن یکی از حقوق مسلمه پادشاه مملکت و هیئت دولت است و بعد اگر در آن ماده داخل شدیم و مذاکره شد بنده نظر خودم را عرض میکنم و آن مسئله در کلیات نباید مذاکره شود .

دکتر حاج رضاخان - همینطوریکه آقای خیابانی فرمودند بنده هم لازم است ابتدا عرض کنم که مخالفت من مخالفت با کابینه و عدم اعتماد بوزراء نیست چیزیکه هست باید نظریات خودم را بگویم و او اینست که این لایحه باین ترتیبیکه بکمیسیون رفته است مراجعت کرده است هیچ صورت پروگرامی ندارد پروگرام خارج از اختیارات است بنده سه ماده او را مثل میزنم یک ماده اش اختیارات است باین معنی که چون برای انجمن بلدی حق انفصال داده نشده امروز داده میشود پس این پروگرام نیست و ماده اولش هم در باب تجدید نظر در قانون انتخابات است هیچوقت هیئت دولت را مانع نبودند که نظرات خودشان را نکنند در سابق همیشه نظر بایشان را کرده اند هبته می آید قانونی هم که بعد وضع میشود البته نظرات خودشان را خواهند کرد این را بنده نمی فهمم این توضیح واضحات است و اما ماده دوم هم خارج از وظیفه و کلا است که گوش بدهند بنده نمیدانم بچه جهت این صورت پروگرامی پیدا میکند که باید اینجا و اینکه چهار اصل از قانون اساسی را بآن تفصیل یعنی بطریق رجوع بملت تغییر دادند این بما چه مربوط است باز وقتیکه رجوع بملت کردند البته آنها اگر صلاح دانستند تغییر خواهند داد ابتدا بما مربوط نیست که ما امروزه برای وکلای آتی تعیین اختیارات بکنیم که آنها بما چه اختیاری بیایند اینجا .

افتخار الواعظین - بنده اولاً می خواستم عرض کنم که هیچ فرقی نیست در این مواد چه بصورت پروگرام باید بمجلس چه بصورت لایحه و اینکه اظهار میشود که چون این صورت پروگرام آمده است بمجلس ما اگر رد کنیم عدم اعتماد ما نسبت به هیئت وزراء ثابت خواهد کرد و چون اعتماد مجلس شورای ملی به هیئت وزراء ثابت است پس بیایدین را تصدیق بکنیم بنده عرض میکنم که اگر این بصورت لایحه سابق بود که پیشنهاد شده بود باز بنده تصدیق میکردم و در هیچیک از این مواد بنده یک چیزی نمی بینم که یک مسئله خیلی مهم فوق العاده باشد که بتوانیم بگوئیم هیئت دولت حق نداشتند این را پیشنهاد کنند یا مجلس شورا حق نداشتند است داخل در مذاکراتش بشود و اما ماده اول بدیهی است هر هیئت دولت در هر قانونی که بمجلس پیشنهاد شده حق نظر دارد که عقاید خودش را اظهار کند پس کسیکه میخواهد قانون را اجرا بکند بدیهی است که حق دارد نظرات خودش را پیشنهاد کند و مخصوصاً قانون انتخابات که یکی از قوانین مملکت است و باید بدست وزیر داخله انتخابات بعمل بیاید بدیهی است وقتیکه بمجلس پیشنهاد میشود هیئت دولت عموماً وزیر داخله خصوصاً حق دارند

ماده بود که پروگرام آقای سپهبد اعظم بود آن اختیارات آیا بعد از این که این لایحه در این جا گذشت منسوخ است آیا باقی است فقط سؤال بنده این است .

رئیس - در کلیات مذاکرات را آقایان کافی نیدانند (گفتند کافی است) رئیس - رای میگیریم که داخل در مواد شویم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) -

رئیس - با اکثریت تصویب شد در ماده اول مخالفتی نیست .

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفتم از این راه نیست که دولت حق مشارکت در قانونیکه از مجلس میگذرد ندارد این مسلم است که دولت باید نظرات خودش را در قانونیکه از مجلس میگذرد بکنند الا اینکه نمیتواند بمذاکره گذشتن قانون از مجلس آن قانون را رد کند برای اینکه این قانون از مجلس گذشته است مثلاً در قانون انتخابات یک شور شده در بین این شور اول و دوم اگر هیئت دولت نظرانی دارد باید نظرات خودش را اظهار بدارد نه اینکه در شور دوم که میخواهد این قانون از مجلس بگذرد بموجباتش نامده و این شرحیکه داده میشود قانون انتخابات را مجمل بکنند بنده بر حسب ظاهر این عبارت را هم نمی فهمم که یعنی قانون انتخاباتی که از مجلس میگذرد بعد از گذشتن حق تجدید نظر دارند ظاهر عبارت این است حالا اگر بنده بدقیقه تمام بنده این قانون انتخابیکه از مجلس بگذرد هیئت دولت بعد از گذشتن نظر خود را اظهار بدارد اگر در این موقع باشد بنده این را صحیح نمیدانم والا قبل از گذشتن از مجلس نظر نمایند این چیزی نیست که اشکالی داشته باشند این از مسلمیات است و باید نظرات خودش را اظهار بکنند اگر آن مطلب است اظهار بفرمایند و اگر این نیست که باید معلوم شود .

رئیس - پس شما که مخالف نبودید . حاج آقا - فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله اظهار مخالفتی نداشت فقط یک چیزی بود راجع بشور در قانون و گذشتن از مجلس و این مطلب هم بدیهی است که در ضمن شور یک قانونی ولو شور اول هم باشد و یک ماده گذر مجلس تمام همه عقیده باشند البته دولت حق دارد که نظرات خودش را اظهار بدارد و بمجلس شورا مدلل بدارد و ثابت کند و ممکن است مجلس نظرات دولت را تصدیق بکند و از عقیده خودش برگردد و عقیده دولت را اتخاذ کند بلکه میتوانیم عرض کنیم که بعد از رأی دادن هم که قبل از صحنه همایونی باشد اگر هیئت دولت نظری داشته باشد میتواند اظهار بدارد و در این ماده نمیکند اشکالی باشد و زیاده بر این گفتگو داشته باشد خوب هست رأی گرفته شود .

رئیس - خاطر آقایان را مسبقاً میگویم که رأی نخواهیم گرفت در مواد مذکور میشود و در لایحه رویهم رفته کلیتاً رای میگیریم دیگر مخالفتی نیست ؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - مذاکره در ماده دوم است مخالفتی هست هشردودی - اولاً خواهش میکنم جوابیکه بنده میخواهم از طرف آقایان وزراء داده شود نه از

طرف و کلاه یعنی پروگرام مال هر کس هست او جواب بدهد این ماده دوم را بنده در آن لایحه بکنی زائد میدانم بجهت اینکه وقتیکه بنا شود که بقانون اساسی دست بزنند و بعضی مواد او را نسخ کنند این را پارلمان حق ندارد باید رجوع کنند بافکار عموم ملت هر وقت که اقتضا نماید چه این پارلمان یا پارلمان آتی منمقد باشد یا منمقد نباشد میتواند هیئت دولت رجوع نمایند بتمام ملت یعنی ممکن است که دولت اعلان نماید که چنین نظری را من دارم و مقتضی حال مملکت است حالا ملت هم وکیل خودشان را مختار بکنند این البته برای عموم ملت است ممکن است برای اینکار یک مجلس علیحده معین بشود یعنی برای تغییر بعضی مواد قانون اساسیکه مقصود دولت است و این اختیار را ملت بویکلای مخصوص بدهند و از هر ولایت هم یک یا چه چند نفر بیایند غیر از وکلای مجلس یا آنکه ممکن است خود پارلمان را ملت مختار نماید که نظریات خودشان را در اینخصوص اظهار بدارند و لکن در هر حال دولت هیچوقت نباید پارلمان حاکم نه پارلمان آتی این پروگرام را پیشنهاد نماید بلکه همان طوری که عرض کردم باید ملت و افکار عامه اطلاع بدهند و وقت هم اینکار را میتواند بکنند دیگر این که یکی از آقایان گفت نوشتن این در اینجا فقط برای اطلاع مجلس است که مجلس بداند دولت همچو خیالی دارد بنده اصلاً اطلاع دادن بمجلس را هم زائد می دانم .

وزیر امور خارجه - عرض میکنم هیئت وزراء بما آقایان ششردودی هم عقیده هستند ولی چون این مسئله یکی از مطالب عملیاتی است که هیئت دولت برای آتی دو نظر دارد و چونکه یکی از عملیاتی است که امروز لازم است و باید بیوقه اجرا گذاشته شود در ضمن پروگرام باید بمقام مقتضی اظهار بشود و زائد نیست .

آقا محمد روجردی - بنده اساساً با این پروگرام مخالفتی ندارم بواسطه اینکه بدیهی است وقتیکه ملت این اختیار را بویکلای آینده داد حق تجدید نظر در قانون اساسی دارد لکن حالا در جمله است که اصلاح لازم دارد یکی آنکه دولت لازم میدانند که تغییری در قانون اساسی بشود مسلم است تمام آن نیست و بعضی از آن است و لازم است لفظ و بعضی اینجا اضافه شده و در جزو اخیرش هم بنویسند که دولت برای اینکه رأی ملت را بداند پس از آنکه دولت حاضر شده شروع بنذاکرات خواهد شد و در صورتیکه دو نکت از آن دولت این رأی را بدهد رأی ملت معلوم میشود این مسئله مسجل نمیکند زیرا رأی دو نکت از دو نکت کاشفیت نامه ندارد و این باید طوری واضح باشد که معلوم باشد اکثریت ملت باین رأی داده است اگر چه حاکم این بعنوان پروگرام آمده است و مقام تصدیق نیست ولی عرض میکنم اینکه رأی دو نکت از دو نکت رأی ملت باشد کاشفیت نامه ندارد و این باید طوری واضح باشد این ماده به ترتیبی که در پروگرام است نمی توان استفاده کرد .

حاج آقا - در این ماده آقایان که اظهار مخالفت کردند در حقیقت هیچکدام مخالف نبودند بلکه همه تصدیق دارند که این حق ثابت است است که بجهت هر دولت مشروطه یا جمهوری ثابت است و هر دولتی هر وقت بعضی از مواد قانون اساسی مملکت خودش را با جریان امور مملکتی منافی به بیند حق دارد که تغییر آنرا بطریقیکه معین شده است از ملت بخواهد حالا اگر چه در قانون اساسی ما یک ماده برای این ترتیب نوشته شده و اینهم یکی از نواقض قانون اساسی ما است که غفلت کرده اند و راجع باین ترتیب چیزی ننوشته اند و دولت هم دچار محذور شده است و ناچار نظری را که در قوانین اساسی دارد باید اظهار نماید و از ملت استیفاء بکنند خواهش بکنند که تجدید نظر در آن بنماید بملأه در یکی از اصول قانون اساسی این مطلب را خوب اشاره کرده است که سایر مواد قانون اساسی با رضای ملت قابل تغییر است فقط که غیر قابل تغییر دانسته همان اصل است و آنهم اصل دوم است حالا در اینجا ما مباحثه میکنیم که چون این حق دولت است نباید در پروگرام وزراء نوشته شود بنده این برادر را چندان وارد نمیدانم یعنی هیچ وارد نیست برای اینکه اگر درست ملاحظه شود می بینیم که این یک حق طبیعی از برای دولت است و اینهم که میگویند چون حق طبیعی دولت است نباید در پروگرام نوشته شود صحیح نیست برای آنکه ماده دو را ملاحظه میکنیم می بینم از حقوق دولت است معیناً در پروگرامشان نوشته شده است پس نوشتن این مطلب برای این است دولت میخواهد آن خط مشی را که برای خودش معین کرده است بمجلس شورای ملی ارائه دهد و جلب اعتماد وکلای ملت را در این روش برای خودش بنماید بنده سؤال میکنم از آقایان این که دولت جلوی گیری بکنند از اشخاصیکه در صدد تضعیف قوای برمی آیند و همچنین از مجامع و کتبها و غیر آن ها آیا این حق دولت نیست ؟ مسلم است که حق دولت است و گمان نمیکند که احدی در این اشکالی داشته باشد پس بطور است که ما باین هیچ اشکالی نمیکند و نمیکوئیم چرا در پروگرام نوشته شده است و در اینجا که خودمان میگوئیم از حقوق طبیعی دولت است و دولت در مقام اجرای آن برآمده میخواهد این را تصدیق کند و بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید میگوئیم که اگر خود در پروگرام زائد است در صورتیکه که این هم یک مطلبی است که از حقوق طبیعی دولت است که حق تجدید نظر در قانون اساسی دارد آنهم یک طریقیکه طریق استیفاء است میخواهد بملت استیفاء کند و از ملت بخواهد که بویکلای خودشان در آتی این حق را بدهند پس بنده چون اینرا مثل سایر مواد پروگرام از حقوق طبیعی دولت میدانم هیچ اشکالی نمی بینم که در پروگرامشان بنویسند و بمجلس شورای ملی پیشنهاد بکنند .

یکجیزی از مختصات سلطنت و دولت است یعنی اگر یکوقت در قانون اساسی تغییر یا جرح و تعدیلی لازم است بدانند میتوانند بر تریبی که خود قانون اساسی اجازه میدهد تجدید نظر در آن بکنند اینها مختصات دولت است و ضرورتی ندارد که ما در این موقع داخل مذاکره آن بشویم والا حضرت اقدس آقا نایب السلطنه با بودن این مجلس شورای ملی هم در صورتیکه لازم بداند میتواند این کار را بکند حالا تجدید نظر هم در سایر ممالک مختلف است در اغلب از ممالک بطریقه فرزند حل میکنند یعنی رجوع یا فکار عامه بنمایند در بعضی از ممالک در مجلسی که دارند با هم می نشینند و اشکالات را رفع بنمایند در مملکت ما بهیچانه در مجلس را نداریم و اگر علتی هم بر حسب ظاهر از قانون اساسی ظاهر می شود آن هم بواسطه همین است مثل اینکه شخص بنده معتقد نیستم که قانون اساسی مانع از جرح و تعدیلی لازم داشته باشد بلکه عقیده شخصی بنده این است که قوانین اساسی ما اگر همان شکلی که مقرر نوشته بود اجرا میشد هیچک از این اشکالات حالیه بران دولت فراهم نمیشد و عقیده بنده اینست که تمام این اشکالات از برای اینست که جرحهای قانون اساسی ما آنطوریکه باید برای اینستاده است و چون راه بنماده است تصور میشود که قانون اساسی ناقص است پس چنانچه عرض کردم چون در مملکت ما دو مجلس موجود نیست و نداریم تا اینکه بتوانیم قانون اساسی خودمان را جرح و تعدیل بکنیم یا بستی رجوع با فکار عامه بشود و این هم سابقه دارد ولی اگر بخواهیم سابقه قرار بدهیم یعنی یک قانونی وضع کنیم برای جرح و تعدیل قانون اساسی که در آتیه هرفوت دولت بخواهد آن را تغییر بدهد در هر دوره انتخابیه بملت اطلاع بدهد بملت بگوید که شما باید بنمایندگان خودتان صلاحیت این تغییر را بدهید و آنها که آمده اند حضور دو نك از آن ها برای مذاکره کافی و رای دولت از آن دولت مناظره اعتبار باشد این يك چیز تازه خواهد بود که ما آن را اختراع کرده ایم در هر دوره انتخابیه دولت نظرات مخصوص در قانون اساسی خواهد داشت و تفریاتی باین ترتیب در آن خواهد داد در صورتیکه قوانین اساسی مانع قوانین معموله است و يك چیز است خارج از اینکه نمایندگان هر دوره بتوانند در آن تجدید نظری بکنند یا بجهت عرض میکنم نمیتوانیم در اینجا بتوسط این يك ماده يك چیز تازه و يك سابقه برای جرح و تعدیل قانون اساسی معین بکنیم و اگر خواستیم اینکار را بکنیم باید فهمید که اینکار خوبی است و سابقه خوبی خواهد شد یا خیر آن وقت اینکار را بکنیم میگوئیم یا میگویند قانون اساسی ما ناقص است و بعضی نظریات باید در آن گردیده عرض میکنم البته ممکن است قانون اساسی ما در حد داشته باشد یکی حد افراط و دیگری حد تفریط اگر چه شخص بنده معتقدم که قانون اساسی حالیه ایران حد افراط و تفریط ندارد و حد اعتدال است یعنی همان تناسب که مجلس سنا از برای مملکت تصویب کرده است بهمان اندازه از حقوق سلطنت کاسته است و همینطور وزراء را مسئول مجلس کرده است نه مسئول سلطان ولی حالا

یکی از این دو حد را که بایزیم یکی را حد افراط اسم میگذاریم و دیگری را حد تفریط آن مردمی که در این دوره میخواهند وکیل انتخاب بکنند آنها وکلای که بیایند اینجا بنشینند و فوائدهای اساسی آنها را تغییر بدهند آنها را دو نك از دولت آنها برای تجدید نظر مناظره اعتبار باشد آیا نباید بفهمند که هیئت دولت نظرش بکدام يك از این دو حد افراط و تفریط است آیا نظر دولت بجلو گیری از سرعت بی موقع است و میخواهد بتدریج پیش برود نه سرعت و یا آنکه بر فرض میگویند در این دوره سنا هم لازم است آن مردمانی که نمایانند نظر دولت در کدام يك از این دو حد است چطور میتوانند وکلای معین کنند و با آنها بگویند که شما بروید قانون اساسی ما را تغییر بدهید و این ماده اگر از مجلس بگذرد علاوه بر اینکه در خارج يك سوء اثر خواهد کرد ممکن است اصلا انتخابات بعمل نیاید تا اینکه وکلای بیایند تجدید نظر نمایند برای اینکه میگویند ممکنست نمایندگان ما بروند و تفریاتی در قانون اساسی ما بدهند که بهیچوجه منظور نظر ما نیست پس بهمان مناسباتی که عرض کردم این مطلب از مختصات سلطنت است و کمان میکنم اگر آقایان وزراء رضایت داشته باشند فقط این يك ماده از اینجا برداشته شود و در سایر مواد آن رای گرفته شود.

وزیر امور خارجه

گفته شد که اول آقای خیابانی اظهار کردند و بعد آقای متین السلطنه چون منطقی بنظر نمیداد لایحه که رد بکنم و آن اینست که میفرمایند رد کردن پروگرام وزراء مستلزم عدم اعتماد بوزراء نیست بنده هر چه از آن وقت تا حال فکر میکنم کرد کردن پروگرام وزراء چطور مستلزم عدم اعتماد بوزراء نیست بنده فهمیدم اعتماد و کلاه وزراء بجنبه جسمانی و اشخاص آن ها که نیست بقایید و افکار و آن (یرنسب) هائی که میخواهند آنها را در مملکت جاری بکنند و هیچ نمیتوان گفت و کلاه با اشخاص وزراء اعتماد دارند و کلاه باید با اعمال وزراء اعتماد بکنند و وقتیکه با اعمال آنها موافق نباشند نمیشود که با اشخاص آنها موافقت داشته باشند پس این حرف که اظهار شد با آنها اعتماد داریم و ممکن است موافقت با پروگرام آنها نداشته باشیم متناقض بود یکی دیگر اینکه میگویند این مسئله راجع به مجلس نیست چرا آوردند به مجلس جواب این را مختصراً در جواب آقای هشترودی عرض کردم و حالا مفصل تر عرض میکنم که هر روز اینکه در يك مدتی مسئول امور زمام دار امور هستند باید يك نقشه عملیه در دست آنها باشد و آن نقشه عملیات خودشان را مطابق ترتیباتیکه در ممالک مشروطه هست بیآورند و اظهار بدارند آنها هم معلوم است يك چیز هائیکه برخلاف قانون اساسی باشد نمیتوانند بیآورند و نیایست بیآورند و نخواهند آورد فقط چیز هائیکه میآورند چیز هائیکه متفرع بر قانون اساسی است و نتایج قانون اساسی است و تصور میکنم که همهم آنچه آورده ایم از همین قبیل است و چیز زائلی نیآورده ایم اما این فرمایشاتیکه در باب ممالکی که قواعد و قوانینی برای تجدید نظر در قانون اساسی دارند و ممالیکه قواعد و قوانین برای تجدید نظر در قانون اساسی ندارند فرمودند توضیحش

اینست که ممالک متعدده دنیا که از روی اصول مشروطیت عمل میکنند از دو قسم خارج نیستند یا اینکه در قانون اساسی آنها يك اصلی برای تجدید نظر در قانون اساسی نوشته شده است یا اینکه نوشته نشده است آنها تریبیات مخصوصی برای تجدید نظر در قانون اساسی دارند معلوم است احتیاج باینکه ترتیبی را در پروگرام خودشان بیآورند یعنی يك چنین مطلبی که راجع بتجدید نظر باشد در پروگرام بیآورند اظهار بکنند ندارند يك کیفیاتی دارند که مطابق آن کیفیات اگر بایست تجدید نظر بکنند میکنند آن مثلثیکه زدند که دو مجلس دارند و از آن دو مجلس يك مجلس تشکیل میکنند و آنوقت يك نظری در قانون اساسی میکنند این مال آن ممالکی است که يك ترتیبی برای تجدید نظر دارند اما آن ممالیکه يك ترتیبی برای تجدید نظر ندارند شاید رجوع با فکار عمومی کرده اند و شاید بر ترتیب رجوع بملت اینکار را بکنند و ما هم چون در قانون اساسی ترتیبی را راجع بتجدید نظر نداریم اینست که مجبور شدیم که رجوع بملت بکنیم حالا هر روز هم بنظر محسوس کردیم که بعضی اعتراضات یا در جنبه افراط یا در جنبه تفریط که حالا نمیخواهم عرض بکنم در قانون اساسی هست و از آن طرف هم چون حکومت ماحکومت ملی است و بهیچوجه هم نمیتوانیم بر حاکمیت ملی بر زمین یا بجهت باید از ملت شوال کنیم و بفهمیم که تجدید نظر در قانون اساسی را میل دارند بشود یا اینکه میل ندارند و همین میل ملت را بهتر از این راهی تصور نکردیم که وکلای را که حالا انتخاب میکنند يك وکلای باشند که صلاحیت تجدید نظر در قانون اساسی را داشته باشند و باز هیچ وسیله برای فهمیدن رای ملت نداریم جز اینکه بنمایندگان آن ها رجوع کنیم در قوانین عادی یا اینست که وقتیکه نصف از وکلای حاضر شدند مجلس تشکیل میشود و از آن نصفی که حاضر شدند و مجلس را معتقد کردند وقتیکه سه ربع حاضر شدند شروع میکنند بمباحثات یا گویا وقتیکه سه ربع حاضر شدند و شروع میشود باخذ رای باینطور است یا ممکن است حالا ما خواستیم که يك ترتیبی قرار بدهیم از برای تجدید نظر در قانون اساسی که قدری سخت تر باشد اولاً گفتیم بعد از آن که دولت از نمایندگان ملت که حاضر شدند آن وقت صلاحیت داشته باشند که از آن ها بپرسیم که تجدید نظر در قانون اساسی لازم است یا لازم نیست آن وقت دو نك که رای دادند و ایشان مناظره اعتبار باشد مخصوصاً این را در این لایحه نوشتم و گفتیم باید در تجدید انتخابات اعلان شود که مردم نمایندگان خودشان را باین نظر انتخاب بکنند چرا بجهت اینکه قوانین اساسی را ما مانع قوانین معمولی میدانیم و می گوئیم بآن ها باید يك اهمیت بیشتری داد و این هم که میگویند بایستی وزراء نقطه نظر خودشان را بگویند که تغییراتیکه میگویند در حد افراط است یا در حد تفریط از طرفی خودشان میگویند هیچ کس حق تجدید نظر در قانون اساسی ندارد از طرفی میگویند وزراء نظرات خود را بگویند و وزراء همین قدر میگویند بعضی اعتراضات در قانون اساسی هست که یا بضرر افراط است یا بضرر تفریط و چون خود وزراء مثل مجلس شورای ملی حالیه هیچ صلاحیتی

ندارند که در این باب مذاکره کنند برای ملت و گذار میکنند پس از آنکه ملت يك اشخاصی را برای صلاحیت اینکار انتخاب کردند معیار آن خودشان ترتیب میدهند ما نباید در این خصوص حرف بزنیم و هر وقت میل و اراده ملتی را معین کردند بآن طور عمل خواهند کرد ما حالا نمیتوانیم اینجا معین بکنیم رئیس - مذاکرات در ماده دوم گویا کافی باشد يك چیزی آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده اند قرائت میشود و بعد از کسب عقیده آقایان وزراء ماده سیم قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم دو فقره آخر ماده دوم از لفظ (و هر گاه با اکثریت دو نك از دو نك) این طور نوشته شود و هر گاه با اکثریت از نصف از مجموع نمایندگان رای تجدید نظر داده شد رای ملت معلوم و شروع بمذاکرات راجه بآن خواهد شد رئیس - توضیح دارید بفرمائید حاج سید ابراهیم - مقصود بنده این بود که معلوم شود که اگر ملت حاضر شده است که تجدید نظر در قانون اساسی بشود و تفریاتی داده شود این وقتی معلوم میشود که اکثر از نمایندگان رای بدهند مثلاً از ۱۲۰ نفر شصت و یک نفر رای بدهند و در این لایحه نوشته است هر گاه دو نك از دولت نمایندگان رای دادند رای ملت معلوم میشود بحسب حساب که ملاحظه کنیم درست نیست اینست که بنده اینطور پیشنهاد کرده ام رئیس - عقیده آقایان وزراء در این باب چیست قبول میکنند یا خیر وزیر امور خارجه - وزراء همانطور که نوشته اند صحیح تر میدانند رئیس - چون این لایحه را مثل لایحه قانونی نمیشود تصور کرد اصلاحاتی که بشود آخر خوانده میشود و آقایانیکه اصلاح پیشنهاد میکنند میتوانند اصلاح پیشنهاد بکنند که قان ماده تجزیه شود که مطابق آن رای بگیریم والا در کلیه لایحه رای گرفته میشود در ماده سوم مغالطی هست هشترودی - بنده ماده سوم را لازم ترین مواد این پروگرام میدانم که باید باشد ولی آخرش را ناقص میدانم و پیشنهاد کرده ام و تقدیم میکنم و حالا توضیح میدهم که تجزیه بشود یا تجزیه نشود تمام ماده را خوب نوشته اند تا اینکه میگوید در صدد تضعیف قوای دولت بر میآیند فوراً از آنها جلوگیری نموده مرتکبین را مجازات خواهند داد بنده پیشنهاد میکنم که پس از ثبوت در محاکم عدلیه باغلی بودن محاکمه ششیمه بشود که اگر غیر از این باشد بنده رای نخواهم داد بجهت منطقی آنرا عرض کنم که در مملکت قانونی دولت حق ندارد بدون محاکمه کسیرا مجازات دهد حاج آقا - هیئت وزراء مکرر کردند این معنی را که در این پروگرام خط مشی وزراء است و در پروگرام يك حرفی راجع بر ترتیب محاکمه و غیره ابدأ نیست در پروگرام وزراء خط مشی شانرا میخوانند معین کنند که کسانیکه در صدد تضعیف دولت هستند آنها باید مجازات شوند و دولت قسماً هر کسیرا بتواند اینست که در صدد تضعیف قوای دولت طرف سوء ظن شد پس از استنطاق و محاکم در

بقوه دفاعی دولت در مقام اینست که با کمال مسرت جلوگیری کند و مجازات دهد کسانیکه که در صدد تضعیف قوای او بر میآیند و البته آن مجازات کردن يك ترتیب مخصوصی دارد و آن ترتیب مربوط به پروگرام وزراء نیست و آن عبارت را بنده هیچ ملازم باین میدانم که معنی این باشد که دولت هر کسیرا خواست بگیرد بدون تحقیق و محاکمه و مجازات کند و بهیچوجه محتاج باین نیست که نوشته شود در محاکم یا در غیر محاکم آن يك ترتیبی است که در محل خودش معین است لواء الدوله - عرض کنم بنده مغالطه کلی ندارم فقط مغالتم برای عنوانیست که کرده شد برای این بود که از آقایان وزراء شوالی کردیم و آن شوال بنده در این ماده سوم با و اداست که يك اختیاراتی در کابینه سابق گرفته میخواستیم بدانم که آن اختیارات منسوخ شده است و اینها يك اختیارات دیگری است یا آن که این اختیارات هم هست آن اختیارات هم باقی است و اینها اضافه بر او است و این را که نمایندگان اظهار داشتند اعتماد بوزراء دارند لکن موافقت ندارند با پروگرام این مثل این است گفته شده من دوست دارم این آدم را اما بدست این هرگز نمیشود و این را که عرض کردم که آن ها میخوانند برای اینست بیچاره اینها را میخوانند و میخوانند کار بکنند و کار هم میکنند لکن شوال بنده را هم باید جواب بگویند و هیچک از آقایان جواب ندادند و تقریباً يك خلاف شرعی هم از ایشان بروز کرد که جواب شوال بنده را ندادند افتخار الواعظین - یکی از موادی که بنده هیچ او را قابل مذاکره نمیدانستم و بلکه مسلم پیش تمام نمایندگان محترم میدانم ماده سوم بود بجهت این که معلوم است اشخاص غیر مسئول که بخواهند در امور دولت مداخله کنند یا بواسطه کبیته های مغفی از اقدامات دولت جلوگیری بکنند در مملکت در صدد تضعیف قوای دولت بر آیند این اشخاص غیر مسئول و مجامع سری و کبیته های مغفی جلوگیری بکنند آن وقت اگر کسی را باین جهت گرفتند میگویند او در صدد تضعیف قوای دولت بر آمده یا آن که در کبیته مغفی بوده یا بجهت من ترا مجازات میدهم این گمان میکنم بهیچوجه من - الوجوه محل تردید و اختلاف نبود و اما این که آقای هشترودی فرمودند که هیئت دولت اشخاصی را که میخواهند مجازات بدهد باید محاکمه شود بعد از ثبوت در محاکم عدلیه دولت میتواند مجازات بدهد این بدیهی است دولت نمیتواند که هر کس با احتمال اینکه در مقام مخالفت با دولت بوده من او را مجازات بخواهم داد پس حالا طریقه مجازات او چه شکل خواهد بود بدیهی است وقتیکه معین شدند محاکم رسمی آن وقت آن ها را مجازات خواهد داد دولت میگوید کسانیکه بخواهند برخلاف دولت و اشخاص مسئول اقدامات بکنند و اشخاص غیر مسئول که بخواهند در امور دولت مداخله بکنند من او را مجازات میدهم و بدیهی است پس از آن که کسی طرف سوء ظن شد پس از استنطاق و محاکم در

محاکم عدلیه یا نظامی یا سایر محاکم موقتی پس از ثبوت تقصیر مجازات خواهند شد و الا بدون جهت که کسیرا نخواهند مجازات کرد هشترودی - بنده توضیحی دارم بنده می دانستم مجازات بعد از محاکمه است و در قوانین هم نوشته شده است و همینطور است که فرمودند لکن چنانچه آقایان خودشان در سایر مواد در چیز هائی ایده بدیهیات بود باره اظهارات کردند و پذیرفته هم شد بنده هم این را پیشنهاد کردم رئیس - ماده چهارم در ماده چهارم مغالطی هست محمد هاشم میرزا - عرض کنم مقصودی که در این ماده هست دوتا است یکی راجع بتجدید نظر در قوانین انجمن های ولایتی و ایالتی و بلدی است و یکی راجع بیک ماده است راجع بقانون انجمن های بلدی که دولت حق انفصال انجمن های بلدی را داشته باشد اما عبارت این قسم نوشته شده است در دور قبل از آن که نتیجه تجدید نظر معلوم و قانونی شده دولت در انفصال آن ها نیز مختار خواهد بود این ضمیمه (آن ها) بر میگردد بهره انجمن و حال آنکه در خصوص انجمنهای ولایتی و ایالتی و يك ماده مخصوص است که راه انفصال آن ها را معین کرده است در يك موقع معین فقط در نظامنامه انجمن بلدی ندارد و حالا در اینجا مقصود که همان نظامنامه انجمن بلدی است که باید تصریح شود و اگر مقصود هم انجمنهای بلدی و هم انجمنهای ولایتی و ایالتی است چون ماده مخصوص نسبت بانجمنهای ولایتی و ایالتی در این موضوع هست گمان میکنم لازم بنوشتن ماده دیگر نباشد حالا خوب است توضیح بدهید که مقصود اینست یا غیر این وزیر داخله - در این ماده مطلب بطوری واضح بیان شده است که محتاج بتوضیح نیست دولت حق انفصال در انجمن های ایالتی و ولایتی دارد ولی لازم میدانم که يك تجدید نظری در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی بشود اما چون حق انفصال را در انجمنهای بلدی ندارد اینجا نوشته است که دولت در انفصال آن ها مختار خواهد بود ولی تجدید نظر باید هم در قانون انجمنهای ولایتی و ایالتی بشود و هم در قانون انجمنهای بلدی رئیس - دیگر مغالطی نیست (اظهاری شد) ماده پنجم در ماده پنجم مغالطی نیست (گفتند خیر) ماده ششم در ماده ششم مغالطی هست افتخار الواعظین - شوالی دارم رئیس - بفرمائید افتخار الواعظین - در ماده ششم میبوسد که چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت که نظر اساسی دولت است ایجاد قوای منظم کافی و عیال تشکیل زاندامری مرتب در تحت اداره و تعلیم صاحب منصبان سونمی لازم است بنده میخواستم از آقایان وزراء عظام سؤال کنم که آیا تمام قوای منظم دولت را میخواهند منحصراً همان زاندامری بکنند که صاحب منصبان سونمی تشکیل خواهند داد یا اینکه این زاندامری فقط برای حفظ طرق و شوارع است و دولت باز قشون و قوای منظم دیگر از قبیل

سرپاژوسوارتشکیل خواهدداد ازیرای ملکاتینرا خوب است توضیح بدهند .
رئیس الوزراء - تشکیل زاندامری برای نظم طرق و شوارع استولی وزارت جنگ هم البته تهیه قشون را در کمال خوبی می بیند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده هفتم در ماده هفتم مخالفی نیست (کسی اظهار نکرد) ماده هشتم در ماده هشتم مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده نهم در ماده نهم مخالفی هست (مخالفی نبود) ماده دهم

دکتر علیخان - اینجا در آخر این ماده نوشته است « افکار عمومی نیز باروشی که هیئت وزراء اتخاذ میکنند مساعد و همراه باشد از این عبارت بنده اینطور میفهمم که مقصود اینستکه آن روش را که دولت با روابط خارجه اتخاذ میکند باید مطابق باشد با افکار عمومی ولی این عبارت این را درست نمیفهمانم میفهمانم به بینم اینطور است که بنده فهمیده ام که روشی را که دولت اتخاذ میکند باید مطابق با افکار عمومی باشد یا غیره از این استاگر غیر از این است که بنده فهمیده ام این نیست که اینستکه مانع می شود همرا با مجبور کنیم که با روشیکه دولت اتخاذ میکند موافق و همراه باشند و اگر غیر از این نیست توضیح بفرمایند .

وزیر امور خارجه - مجلس شورای ملی مسلم است که نماینده ملت است و بنا بر این افکارش هم نماینده افکار عمومی میتواند باشد و ملاحظه کردیم که اگر عبارت اینطور باشد حسن اثری خواهد کرد از اینجهت بجای اینکه بنویسیم مجلس شورای ملی موافق باشد نوشته ایم که افکار عمومی هم مساعد خواهد بود .

هشترودی - بنده هم در همین فتره که آقای دکتر اظهار فرمودند مخالفت داشتم و یک پیشنهادی کرده ام که باید اینطور نوشته شود که مساعدت افکار عمومی باروش هیئت دولت اتخاذ میکند لازم و شرط است این مطلب را که بنده عرض کردم بجهت این بود که وزیرای آتی این مطلب را از این عبارت نمیفهمند بلکه بر عکس میگویند حکما هر چه آنها اتخاذ کردند صوم باید هم فکر آنها باشد این ممکن نیست که صوم با افکار وزراء همراه باشند و هر کار که این ها بکنند آن ها مساعد باشند و بنده از این عبارت اینطور میفهمم که مساعدت افکار عمومی لازم است اینست که این طور پیشنهاد نوشتم که مساعدت افکار عمومی باروشی که هیئت دولت اتخاذ میکند لازم و شرط است

وزیر امور خارجه - بنده در این پیشنهاد که آقای هشترودی کرده اند هیچ ضرری نمی بینم و چندان مخالفی هم ندارم ما میفهمیم آن چیزی که وزراء نوشته اند و ممکن است که همینطور که پیشنهاد کرده اند نوشته شود .

حاج شیخعلی - در این عبارت که در این جا نوشته شده است بنده هیچ نمیفهمم بجهت اینکه اگر دولت يك رابطه را اتخاذ کرد آن وقت این را چه خواهد کرد آیا بنام ملت اعلان خواهد کرد که

من این روش را خواهم کرد شما هم مساعد باشید آن وقت ملت از کجا و کسی جواب بدهد از این جهت اصل این عبارت موضوع ندارد بواسطه این که این موضوع خارجی ندارد و قتیکه ما افتخار بکنیم روابط خودمان را با خارجه آن وقت افکار عمومی ملت هم با ما همراه باشد آیا از چه راه افکار عمومی را اتخاذ کرد آیا ملت از چه راه میتواند بگوید که حسن روابط را مسلم خواهد کرد برای خودم پس بهتر این بود که نوشته شود بجای شورای ملی پیشنهاد خواهند کرد و الا نمیشود که مسلم کنند برای خودشان يك روابط را که افکار ملت با آنها مساعد و همراه باشد

معزز الملک - بنده تصور میکردم این کلمه چندان اهمیت می نداشت و بعد از اینکه وزراء توضیح کردند دیگر اشتباهی باقی نماند باوجود این بنده تصور میکنم این کلمه که نوشته شده است که افکار عمومی باروشی که هیئت وزراء اتخاذ میکنند مساعد و همراه باشد هیچ آن معنایی که در اینجا گفته میشود مقصود نیست و هیچ مربوط بآن نیست که بطور آن را حل میکند بلکه طوری نوشته شده است که خیلی صحیح است و معنای آن اینطور میشود که خویست بکنند و بکنند و بکنند و بکنند که موافقت بکنند با افکار عمومی و چون مطابق افکار عامه خواهد بود لابد افکار عامه هم با او مساعد میشود و دیگر محظوری ندارد

آقا شیخ محمد خیا بانی - از جمله مواد خیلی مهمه این لایحه یکی همان ماده آخر است عرض کنم رابطه با خارجه معین است که از روی بعضی مواد مقاوله نامها و عهد نامها خواهد شد که هر دولت با کمال اهمیت باید مراعات و ملاحظه آنرا بکنند و اگر خلی بهم برساند بپرد و خواهد رسید و البته با دولت خارجه مقاوله نامها و عهد نامها داریم که همیشه دولت باید مراعات آنها را بکند و تا بحال ملاحظه و مراعات آنها را کرده است ما هیچ نمی بینم که دولت يك تقاضایی با تصور کرده باشد و حال چون این ماده را با یک کمال جدیتی نوشته اند میخوانم این چند سطر چه در نظر دارد بنده که چیزی نمی فهمم و تا بحال نمیدانم که يك قصوری در ایفای وظایف نسبت بخارجه شده باشد تا اینکه بخواهند از این جهت همیشه میخوانم بدانم که این روابط را که محکم خواهد کرد نسبت بخارجه روش اتخاذ خواهد کرد که اعتماد محبت آن ها را نسبت بخودمان جلب بکنند این روش چه چیز است البته از آنها بعضی تقاضاها خواهد شد و بدیهی است که این ماده نمیرساند و خوبست این تقاضاها را بدون پیشنهاد بجای شورای ملی بماند تا حال در مقاوله نامها و عهد نامها يك قصوری شده است و میخوانم حالیه تکمیل بکنند بنده این را نمی فهمم بجهت اینکه مطلب طوری نیست که درست مفهوم بشود اینست که میخوانم به بینم که وزارت امور خارجه از این چند نفری که پیشنهاد کرده اند چه استفاده در نظر دارند و چه خواهند کرد که تا بحال نشده است تا اینکه ما بآن رأی بدهیم همیشه در دادر گفتم که توضیح بدهید .

وزیر امور خارجه - وزارت امور خارجه از این چند نفری که نوشته است مقصودش حسن روابط است غیر از اینهم مقصودی ندارد و اینکه میفرمایند تا کتون مگر اینطور نبوده است و برعکس بوده است حالا میخواهید بهتر بشود این دلیل نمیشود که سابق بر این برخلاف این بوده است که با دول خارجه حسن مراد و رابطه داشته باشد دیگر بیش از این نمیشود توضیح داد .

رئیس - دیگر در ماده نهم مخالفی نیست (گفتند خیر) رأی خواهیم گرفت در کلبه این لایحه آقای متین السلطنه تقاضای تجزیه کرده اند درباره خودم علیحده رأی گرفته شود پیشنهاد آقای هشترودی را هم که آقایان وزراء قبول کرده اند خوانده میشود .

(بصورت ذیل خوانده شد) .
مساعدت افکار عمومی باروشی که هیئت دولت اتخاذ میکنند لازم و شرط است .
وزیر امور خارجه - لازم است کافی است کلمه شرط را نیشود (لفظ شرط حذف شد)

رئیس - رأی میگیریم بقیام و قعود در این لایحه لکن چون آقای متین السلطنه تقاضای تجزیه کرده اند رأی میگیریم بنده اول و سوم تا آخر آقایانیکه نام این لایحه را باستثنای ماده دوم تصویب میکنند بقیام نمایند . (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بنده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت ۴۳ رأی تصویب شد رأی میگیریم بکلیه این لایحه آقایانیکه کلبه این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد - آقای لواء الدوازه از وزارت داخله بکستوالی در خصوص اوزاق دارالخلافه دارند حاضر برای جواب هستند .
وزیر داخله - وقت دیگر حاضر میشود

رئیس - جلسه آینه شب چهار شبه و دستور آن هم همان بقیه دستور سابق است

وزیر پست و تلگراف - برای پست و تلگراف چون این اوقات خیلی اهمیت بهم رسانده است و لازم بود که يك شخصی که طرف اعتماد و امانت باشد مواظب اینکار باشد آقای میرزا اسدالله خان کردستانی بسمت معاونتی معین شدند و معرفی میشود (تبریک گفتند) .
مجلس نیم ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد
جلسه ۲۹۱
صورت مشروح مذاکرات شب چهار شبه ۱۲ شهر رمضان ۱۳۲۹
رئیس (آقای مؤمن الملک) - سه ساعت از شب گذشته بکرسی ریاست جلوس نمودند و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید آقای میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را قرائت کرد اسامی غائبین در ضمن صورت مجلس از قرار ذیل قرائت شد
غائبین بدون اجازه - آقا میرزا احمد - آقا سید محمد باقر ادیب - حاج امام جمعه - رکن الممالک قائبین با اجازه - میرزا مرتضی قلیخان -

حاج سید نصرالله - لسان العکانه - مساوات - شیخ رضای دهمخوارقانی - حاج شیخ الرئیس - آقایانیکه از حضور در وقت مقرر تغلف کردند - معزز الملک دو ساعت و نیم - حاج مصدق الممالک ۴۰ دقیقه - میرزا ابراهیم قمی يك ساعت میرزا یانس - سلیمان میرزا - شریف العلماء هریک ۳۰ دقیقه معین الرها یا لواءالدوله نیم ساعت .

رئیس - بصورت مجلس ملاحظاتی است **حاج شیخ علی خراسانی** - در ماده دهم که از جانب دو سه نفر اظهار مخالفت شده این قدر نوشته شده است که مخالف بودند و حال آنکه باید بنویسند که با چه چیز مخالف بودند یکی از اشخاصیکه مخالف بودند بنده بودم و بنده مخالف نبودم با اینکه حسن روابط مخالف نباشد و با افکار عمومی بنده مخالفتم از حیث اجمال این ماده بود و سایرین هم که اظهار مخالفت میکردند نظرشان فقط باجمال و ابهام آن ماده بود
رئیس - صحیح است اصلاح میشود ملاحظه دیگری نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد رایورنی از اردوی فیروز کوه رسیده است برای استحضار خاطر آقایان قرائت میشود رایورن مزبور بصورت ذیل قرائت شد (

وزارت داخله مقام متین مجلس شورایی رایورنی از د کبرسهراب خان که مأمور اردو فیروز کوه شده است اعش رسیده بود عین آن را لفا ارسال داشتم که در مجلس مقدس قرائت و خاطر نمایندگان محترم از فتح نمایانی که اردوی ظفر مجنون دولتی نموده است قریب استحضار گردد (صورت رایورن است) حضور مبارک جناب مسرور پفرم خان عرض میشود بوم سه شنبه قبل از ظهر از طهران حرکت نموده ظهر پنجشنبه یکساعت قبل از ظهر وارد فیروز کوه شدم از حال آقای معین هایون دام اقباله خواسته باشید این است که بعضی میسرانند قبل از ورود بنده منتهای جدیت و مواظبت را در کتب حسین خان کرده بودند در ورود بنده جزئی کسالتی که باقی مانده بود بتوسط بعضی آب نرز دگهای تخت جلای وادوبه که همراه آورده بودم تا امروز که بوم غره شهر رمضان المبارک است بکلی رفع نقاهت و کسالت ایشان شده است يك روز قبل از ورود بنده اختراع داده بودند که يك عراده توپ بادویست سوار پیاده از طرف محمد علی میرزا فرستاده شده بکندوک بیاز مرز سرحد سوادکوه بتصویب آقای سردار محیی و آقای معین هایون آقای سالار سردار بهادر با یکصد و پنجاه نفر سوار بختیاری و مجاهد مأمور شدند برای گرفتن آن سنگرها و آوردن توپ این بود که رایورنی که داده شده بود و توپ در سنگر نبود بوم جمعه رفت اذان صبح از اردو و سنگرهای پیش فراول خودمان خیر دادند که عده کثیری بادو عراده توپ حمله بارو و سنگر های پیش فراولان آورده سر بازهایی که در سنگرها بوده با آن سنگر های سخت که اگر در نفر تفنگ چی صحیح بودند ممکن نبود ده هزار قشون تصرف کند لهدا سر باز های فراول فوری سنگرها را تخلیه و اشرازتصرف کردند دوقیضه تفنگ هم سر باز انداخته فرار کردند

بمدقردی عده بختیاری و مجاهد و آقای سردار محیی و آقای معین هایون و آقای سالار بهادر و بنده بفاصله يك ساعت و نیم سه فرسخی فیروز کوه که اردوی پیش فراول بوده رسیده حمله ور شدیم چنگ عظیمی در گرفت چندین تیر توپ از طرف اشراول شلیک بطرف سنگر های پستی که داشتیم شد يك تیر از گلوله های توپ آنها بسنگر وارد آمد مولی بهیچ کس صدمه وارد نیامد باقی همه کوتاه بابلند تر کشیده بفاصله سه ساعت سنگرهای عظیم را از آن ها گرفته تا یک فرسخی اردوی محمدعلی میرزا تعاقب نمودیم قریب توپ نفر از آنها مقتول و شصت نفر اسیر قریب یکصد نفر زخمی دو عراده توپ و یکصد و پنجاه قبضه تفنگ و زینل بلند و کوناه تفنگ سه تیر و پنج تیر از آنها گرفته و آورده قریب ۲۰۰ قبضه تفنگ هم در سنگرها و زیر درخت ها ریخته کوفت حمل آنها را نداشته اند امروز مأمور برای آوردن آنها معین شد بروند بیاورند و ۱۶ بار فورخانه و تفنگ توپ هم باتوپها بود که گرفته شد آنچه اسبابی که داشتند ریخته فرار کردند و متفرق شدند و قریب پنجاه شصت است هم آورده و شصت هفتاد رأس دیگر هم کشته شده که در صحرای افغانه اند حمله هایی که از طرف اردوی ما بآنها شد با شلاق و تپه تفنگ بود بواسطه اینکه از همه طرف محاصره از کثرت بریشانی قوه حرکت بکلی از آنها سلب شده بود بطوری متفرق و بکوهها فرار کرده گمانم دیگر رنگ اردوی محمد علی میرزا را نخواهند دید سر کرده هایی که مقتول و از روی مهر آنها اسامیشان مکشوف از این قرار است هدایت قلیخان انتظام لشکر سرتیپ سوار خواجه وند - کلار دشتی - محمد حسن خان امیر پنجه رئیس توپخانه استر آباد - نایب شکرالله نایب قوج هزار جریبی - عرض خان رئیس سوار ترکمان نوه مراد خان داماد انتظام لشکر و یکی دو سه نفر سلطان و نایب مجروح و دستگیر اسرائی که بعدا گرفته و توقیف نموده از فرار ذیل است سوارهای ترا که سوارهای خواجه وند سر باز های سوادکوهی و هزار جریبی و بندینی و ماژندرانیکفر زاندارم خراسانی که صدیق حرم تازه گرفته بود و فراق عده اشراول قریب دوهزار نفر بوده اند آنچه کف دست و اسناد و احکامات داشتند با اسباب لوازمات اردویی همراه برده که یکسر ورود بطهران بکنند از بابت فوق العاده زاندارم تا بحال از جیب خودم داده ام و تا ورود بطهران هم خواهم داد چونکه توقف بنده در اینجا لزوم و اهمیتی ندارد و استدعا مینمایم حرکت خودتان و تکلیف بنده را معین فرمایید جناب اجل اکرم آقای سردار محیی و آقای معین هایون سلام میرسانند و احوال برسی مینمایند چون که بواسطه حرکت و خستگی عذر مزاحمت دادن جدا گانه میخواهیم اردوی ما با کمال اتفاق و موافقت دور هم جمع هستند و نقاهتی جز بعضی فراموش کاری وزارت جنگ از بابت فرستادن بعضی لوازمات ندارند شبه غره رمضان .

رئیس - هر چند خاطر نمایندگان از این رایورن مستحضر بود لیکن برای این که از جزئیات آن هم مطلع باشند قرائت شد رایورن کمیسیون

بوده راجع باراضی قیلاب عربستان قرائت میشود (بصورت ذیل قرائت شد) .
لایحه وزارت ممالیه راجع باراضی قیلاب واقع در عرض راه عربستان بفرستان در ده فرسخی دزفول مطرح مانا کرده گردید وزارت ممالیه اظهار داشته اند که اراضی قیلاب جزو رقبات دیوانی است لیکن هیچوقت جزو جمع نداشتند و فعلا لم یزرع و خراب جزو اراضی دولت است حاجی صفر علی تاجر دزفولی از وزارت ممالیه تقاضا نموده که اراضی مزبور را آباد نماید و پس از پنجسال شروع بپرداخت مالیات بشود وزارت ممالیه نیز این مسئله را قبول و تصویب نموده مشروط بر اینکه پس از چهار سال شروع باخذ مالیات شود و سه ماده پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده پس از مذاکرات لازمه نظر باینکه این اراضی جزو اراضی لم یزرع و تشویق عموم ایرانیان برای آبادی اراضی لازمه است کمیسیون باصلاحات لازمه اضافه بعضی شرایط موافق را برای داده پیشنهاد مجلس مینماید .

ماده اول - بجای صفر علی تاجر دزفولی اجازه داده میشود که اراضی قیلاب که جزو طبرستان و واقع در عرض راه عربستان است تملک و آباد نماید و فروش و انتقال و اجاره و ربنقه و شرکت با اتباع خارجه در صورت وقوع این تملک باطل و اراضی متعلق بدولت خواهد بود .

ماده دوم - پس از چهار سال از این تاریخ عشر عایدات قیلاب بعنوان مالیات اخذ میشود .

ماده سوم - اگر مدانی در اراضی باشد متعلق بدولت خواهد بود در صورتیکه از این اراضی برای بنا و احداث خصوصاً و عمومی بداره برای دولت لازم شود هر مقدار اراضی لازم باشد باید بماند بدولت واگذار نماید .

ماده چهارم - در صورتیکه تا دو سال از این تاریخ شروع با آبادی اراضی قیلاب نشود این اجازه باطل است .

رئیس - مذاکرات در کلیات است (مخالفی هست)

مختصر السلطان - در يك چنین مسئله مهمی که از کمیسیون بوده و کمیسیون قوانین ممالیه رایورن داده میشود و از وزارت ممالیه پیشنهاد میشود باید تمام چیزهاییکه برای فهمیدن لازم است از کمیسیون پیشنهاد شود چنانچه در موفقیه از کمیسیون فوائد عامه رایورنهاییکه راجع بعماد و سایر مطالب داده باشد همه را با اطلاعات کامل رایورن میداند و آقای دکتر اسمعیل خان نقشه میکشیدند و مخیر می آورد و تقدیم میکرد قیلاب اراضی مفصلی است که تقریباً بزرگتر از ورامین است بدون دره و ماهور اراضی مسطحی است و تقریباً عرض آن ده فرسخ است و در لرستان واقع است که در موقمی که میروند به عربستان باید از این اراضی عبور کنند و اگر هم بکوفتی دولت بخواهد راه آهنی تاسیس بکنند این راهی است که مجبور است از این راه عبور بدهند و اراضی قیلاب اراضی است که بدون تپه و ماهور اراضی است که بسیار مسطح است و آب های فراوان دارد و اراضی است که تخمی بیست تخم تقریباً محصول می دهد و الساعه در آنجا زراعت میشود و اگر الساعه تلگراف بکنند و تحقیق بکنند خواهند گفت زمینی

است که در آن کشت و زرع میشود ممکن است الان تحقیق بکنید و بهتر این بود که از حکام سابق و حاکم حاله اگر کمیسیون اطلاعی نداشت اطلاعی تحصیل میکرد و در خصوص این اراضی تأسیس یک شرکتی داده اند تجار و حاضرند که بیول نقد این اراضی را از دولت بخرند و اینجا نوشته است که مجاناً دولت واگذار میکند برای آبادی آنجا و السله لم یزرع است و خراب است اینطور نیست گرچه بنده هم عرض نمیکند که حالا آباد است ولی زراعت میشود و آبهای زیادی دارد که تلف می شود و اگر قدری مواظبت کنند سالی چندین هزار خورار عایدی آنجا میشود عرض کردم بزرگتر از ورامین است در سال به بیند که مالیات آنجا چقدر است و بنده پیشنهاد کرده ام که اگر مجلس معترم تصویب بفرماید آنجا را به مزایده میگذارند و از حکام سابق و حاکم حاله آنجا هم تحقیق بکنند و یک راپورت مفصل مدرسی از روی تحقیق بدهند که مجلس بتواند از روی یک اطلاعی رأی بدهد و اگر همین قسم هم بخواهند واگذار کنند یک کمیاتی تشکیل شده است در طهران که بهرامی بعضی از اهالی دزفول به یول نقد میخرند.

بهبخت - البته نمایندگان محترم مسبقند که از ه شش جلسه قبل از این یک لایحه از مجلس گذشت که بلوک سمت غربی عربستان از مالباتی که داشتند منافی باشد فقط ده یکی از عایدات مالکین بدهند این یک علتی داشت علتش همان نا امنی بود که بان واسطه املاک آنجا لم یزرع مانده بود این دهات بلوک غربی سرحد واقع میشود تا خاک لرستان فرسجا که میگویند اراضی قیلاب چندین قطعه میشود که متصل است بخاک عربستان چون بلوک غ بی لم یزرع است این دهات و این قطعات هم لم یزرع شده است یعنی تقریباً در دوازده سال که حکومت لرستان و عربستان یکی بود این اراضی لم یزرع بود و درمان نادر شاه آنها خالصه بوده است لکن پس از او جزو جمعی نداشت و آنجا ده فرسخی دزفول است ولی شاید باندازه دوسه فرسخ تیره مهور باشد و زمین هائی باشد که میتوان زراعت کرد و شاید لرهائی پیدا بشود که باز زراعتی بکنند لکن بطوری که همیشه زراعت میکنند نیست و آنجا اینطور که فرمودند آبهای زیادی است اینطور نیست آبی است که سیاه است باین جهت باو میگویند قیلاب که لفظ لری است و میگویند این اراضی که متصل است با اراضی قیلاب اگر زراعت بشود و یک آبادی بشود برای این اراضی خیلی خوب است یعنی یک سنگری است چون متصل میشود بدانه کوه و بطوریکه عرض کردم آبهای زیادی هم در آنجا نیست اگر نقشه را ملاحظه کنند با شش شهری است که معروف است به نهر قراو که می آید بیابان می ریزد بشط العرب ممکن است نهر احداث شود و آب بیاورند اگر این مالیات را تخفیف دادیم برای بلوک غربی برای این بوده است که آنجا آباد شود و الا در معنی پنج شش هزار تومان ضرر زده ایم بطول چون این مالیات را که از عایدی قرار دادیم مالک را مجبور نمیکند که برود آنجا را آباد کند مگر اینکه یک امنیتی باشد سابق بر این مالک چون مجبور بود که یک مالک را برادولت بدهد

هر طوریکه بود میرفتند و یک زحمتی میکشیدند و یک حاملی بر میداشتند و میردند و مالیات را میدادند و این دهات فربری را یک زراعت کاری میکردند حالا وقتیکه ما آن مالیات را از آنها نخواستیم و گفتیم از عایدات مالک بگیرند امنیتی هم نباشد ممکن نیست که بروند آنجا و محصول بدست بیاورند این اراضی قیلاب که متصل است با اراضی غربی اگر آباد شود فی الحقیقه سدی است جلو ازها چون در خاک عربستان واقع شده و حکومت عربستان و لرستان عجالة دو حاکم پیدا میکند و هدین حاج صفر علی یکی از ملاکین سمت غربی هست و سایر ملاکین هم با او کمک خواهند کرد و خیلی آباد خواهد شد و اینکه میگویند کمیاتی هست شاید این خیال باشد و ممکن هم هست که باشد ولی اگر همچو چیزی بود چون این لایحه مدنی است تقدیم مجلس شده است اگر یک چنین چیزی بود وزارت مالیه هم که حق داشت و میتوانست این لایحه را پس بگیرد و با آنها مشغول مذاکره شود اینکه یک چنین چیزی نشده است دلیل است بر اینکه چنین کمیاتی تشکیل نشده بعلاوه کسی نمیتواند آن املاک را آباد کند مگر اینکه رابطه با لرها داشته باشد و چون اهالی دهات غربی رابطه با لرها دارند برای اینکه مالک آن اراضی شوند با این حاجی مساعدت میکنند که آنجا آباد شود و اگر آنجا آباد شود تقریباً قریب صد فرسخ زمین داریم ممکن است همه آباد شود و جزء اموال دولت شود چون فریصد فرسخ است که منتهی میشود بسماره که بیت علیضائی است ولی بواسطه اینکه هیچ آبادی نشده است اعراب بنی لام می آیند آنجا و زراعت میکنند و آن زراعت را میرند حالا ما اگر آن اراضی را آباد کنیم و همان عایداتی که حاصل میشود ده یک آن را بدولت بدهیم ممکن است که بعد از پنج شش سال دیگر یک شهری در کنار گرفته داشته باشیم مثل شهر ناصری اراضی ناصری هم اینطور برده میباشند حالا طوری شده است جمعیتش بجائی رسیده است که میتوانند بشو کابل بدهند و یکصد و شصت هزار تومان مالیات بدولت بدهند غرض اینست که همینطور واگذار کردن این اراضی بدلت خیلی خوب است و کمیاتی هم اگر باشد که بخرند بهتر است ولی گمان میکنم اگر چنین چیزی بود بوزارت مالیه اظهار شده بود و وزارت مالیه میتوانست که این لایحه خودش را تغییر بدهد و با آنها مذاکره کند علی حال این برای دهات غربی خوب است و اگر آباد نشود ما در سال پنج شش هزار تومان بی جهت بدولت ضرر زده ایم.

حاج آقا - بنده تعجب میکنم که یک چنین لایحه از طرف یک همچو وزارتخانه بجلس شورای ملی پیشنهاد میشود و خود وزیر نمایند که شرح این معنی را بدهد و بیان کند نقطه نظر خودش را که چطور شده است که املاک خالصجات دولتی که در اکتاف و اطراف مملکت هزارها از این زمینها هست و هدیه اش مهیا برای آبادی هستند و خیلیها هم هستند که اگر همینطور واگذار کنند بانها از سال اول مالیات میدهند چطور شده که وزارت مالیه از بین تمام این اراضی اراضی قیلاب را پیدا کرده و بیک

حاجی صفر علی نامی تملیک میکند اقل توضیح بدهد نقطه نظر خودش را و بنده تعجب میکنم که بدون ملاحظه یک وزارتخانه یک همچو چیزی را که هیچ اختصاص و مزیتی ندارد از بین تمام اراضی که راجع بخالصه است انتخاب میکند و بمجلس میفرستد و آن وقت باید مدافعه اش را هم بکند باو کیل بکنند بنده تمام این لایحه را خارج از حدود منطقی میدانم و موافقش را هیچ من نمیفهم که سراد از این چه بود یک اراضی است دوفرسخ یا سه فرسخ یا ده فرسخ بنده داخل در این نمی شوم که چقدر هست و چقدر عایدات دارد هر چه هست لابد این عایداتی دارد اگر دولت مرمت بکند یک اراضی که یک نفر تاجر میگوید من مرمت و آباد میکنم این یک اراضی است که آبادی آنها خیلی سهل است و نزدیک با آبادی است والا اگر امر خیلی مشکلی بود یک نفر تاجر نمی توانست بگوید که یک اراضی که یک فرسخ یا ده فرسخ باشد من اورا میگیرم و آباد میکنم و چنین وچنان میکنم پس معلوم میشود که این اراضی نیمه آباد یا خیلی نزدیک با آبادی است و اگر نقطه نظر دولت این شده است که اراضی دولتی و خالصه را بپریم تملیک کند آباد کنند و بعد عشریه بگیرد پس اختصاصش با اراضی قیلاب عربستان چیست و این قبیل اراضی در فارس هست در کیلان و مازندران و سایر قطعات ایران هست تمام اینها را باید یک ترتیبی بدهد بعد از آنکه مالک مستشار مالیه که در ترتیب خالصجات یک اختیاری داریم و گفتیم او یک نظری در تربیت خالصجات داشته باشد و اراضی خالصه را درست بکند پس چرا بجای صفر علی نامی میدهند که آباد کند اگر او میتواند آباد بکند دولت بطریق اولی میتواند آباد کند پس خود دولت چرا نمیرود آباد کند بنده هر چه نگاه میکنم اساس اینکار را خارج از ترتیبات مجلس میدانم و موافقش هم تمام قابل تعدیل است که ابتدا منطقی نیست از آنطرف در آن ماده مینویسد که از طرف دولت اجازه داده میشود که این املاک را حاجی صفر علی تملک کند یا اینکه این عبارت درست نیست معنی و مفهومش این است که تملیک و واگذار میکند بجای صفر علی این یک بخشش است از طرف بجای صفر علی بعد مینویسد فروش و انتقال و اجاره و وثیقه و شرکت با تبارخه خارج ممنوع است این بکلی خارج از ترتیب منطقی است و همچنین سایر چیزها هم همین قسم است مثل آنکه در ماده دیگری مینویسد پس از چهار سال عشر عایداتش را بعنوان مالیات میدهد اگر یک اراضی آبادی است چرا از اول نمی دهد و سایر چیزهای دیگرش هم همینطور که بنده حالا نمی خواهم عرض کنم و گفتگو و مذاکره اش را هم در مجلس شورای ملی خارج از موضوع میدانم.

حاج عز الممالک - مطالبی که در کمیسیون مذاکره شده گویا آقایان مسبق نیستند اینکه آقای منتصر السلطان گفتند یک جای آبادی است میخواهند بیک تاجر بدهند اینطور میشود اولاً لایحه وزیر مالیه این شرایط را نداشت در کمیسیون که مذاکره میشد اعضاء کمیسیون شرایطی بپیریک از مواد اضافه کردند و این باعث شده است که در انتظار آقایان امینی پیدا کرده مثل اینکه نوشته اند از فروش و انتقال و وثیقه و غیر ذلک بقیه خارج ممنوع است

اینها اسباب این شده است که تصور میکنند یک نقطه بسیار مهم با فایده مملکت یا یک جای آبادی است میخواهم بیک شخص واگذار کنیم و شرایط سخت میکنیم که مبادا بقیه خارجه واگذار کنند خیر اینطور نیست اولاً اینطور که آقای منتصر السلطان فرمودند هیچ واقعتی ندارد زراعت هم تا بحال هیچ نداشته است و گمان میکنم بعد از اینهم نداشته باشد و اینجا نه جمع مالیاتی داشته نمسکون بوده است بلکه وزارت مالیه آنجا را جزء اراضی موات شمرده است ولی چون جزء رقبات دیوانی است دیگر جزء اراضی موات دانستن بی مناسبت بوده است ولی این اراضی لم یزرع است والا وزارت مالیه این پیشنهادی را که کرده این اراضی را هیچ قابل آبادی و لایق هیچ نوع آبادی نمی دانند فقط بزی که هست برای خاطر اطلاع آقایان عرض میکنم که اگر اجازه داده شود باین شخص او میتواند که این زمین هارا که یکی از اراضی لم یزرع است آباد کند و او آمده است اجازه میخواهد که برود و آباد کند والا اگر اجازه ندهید آنجا هیچ عایدی بدولت نداده است و بعد هاهم نخواهد داد.

رئیس - گویا مذاکرات در کلیات فی باشد (گفتند کافی است) آقای منتصر السلطان پیشنهادی کرده اند که این راپورت موق بماند تا یک راپورت مفصلی داده شود - پیشنهاد قرائت میشود (بعضون ذیل خوانده شد.)

« مقام ریاست محترم مجلس شورایی - این بنده پیشنهاد ذیل را در خصوص اراضی قیلاب تقدیم مینمایم - اولاً فروش اراضی قیلاب را بجز اینها بگذارند تا با آن حکام سابق و حالیه لرستان تحقیقات لازمه از وضع قیلاب نبوده پس از تکمیل تحقیق وزارت مالیه راپورت مجلسی بدهد.

رئیس - در تمام راپورت رأی بگیریم یا بجزء دوم که راجع بتعویق است

منتصر السلطان - در همان جزء دوم که راجع بتعویق است.

رئیس - رأی بگیریم بجزء دوم تقاضای آقای منتصر السلطان که راجع بتعویق است یعنی موق بماند تا راپورت مفصلی برسد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد. ده دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع تنفس شده و مجدداً چهار ساعت و ربع از شب گذشته مجلس با حضور هیئت وزراء تشکیل شد.)

رئیس الوزراء - تشریفات از اردوی منصور رسیده است برای مسرت نمایندگان بفرمائید بخوانند (بترتیب ذیل قرائت شد) از ایران کی - مقام منبع حضرت رئیس الوزراء مدظله تا حال که تلگراف از فتح نمایان روز شنبه عرض کرده ام کاغذ سردارهای عظام رسید که فدوی پامام زاده جعفر بروم برادر ترتیب و نقشه فردا الساعه سوار میشوم اردوی ارشدالدوله غارت شد الان در

خدمت ارشد الدوله نشسته ایم و تلگراف را عرض میکنم یک صد نفر از سواره تر کمان مقتول قریب یکصد نفر اسیر یا دویست نفر سرباز که نیز اسیر و گرفتار شده اند چنین فتح نمایانی تا حال کسی ندیده ایم و نشنیده که بفاصله یک ساعت جنگ با آن قوت طرف مقابل که خود ارشدالدوله اقرار دارد که هزار و چهار صد نفر سوار تر کمان داشت بدون سرباز و سوار متفرقه و اسانلو و توپخانه که داشت گمان دارم عده مقتولین و اسرا هم جوسین بیش از این چیزها باشد که عرض کرده ام (فدوی یوسف شب ۱۴ سنبله) از طرف تلگرافچی ایوان کی - شب ۱۴ سنبله الساعه قاصد مخصوص که برای کسب اخبار بار دو فرستاده بودم رسید بعد از گرفتن مژده گانی اظهار داشت که سه ساعت بطروب مانده اردوی منصور باردوی اشرا حمله آورده ارشدالدوله دستگیر یک صد نفر از سرباز و تر کمان مقتول قریب یکصد نفر اسیر و دویست نفر متجاوز سرباز اسیر شده تا حال کسی همچو فتح نمایانی نشنیده است این فتح بفاصله یک ساعت شده است لیکن از فراری که قاصد اظهار داشت عده مقتولین و اسراء بیش از این است آقای ضیفم السلطنه بدست خودشان ارشدالدوله را دستگیر کرده بودند (چا کر حسن تلگرافچی)

رئیس - گمان میکنم مغالئی نباشد در اینکه یک تشرکاف تحسین و تمجیدی بسرداران عظام بشود (همه گفتند صحیح است)

رایبورت کمیسیون بوجه راجع بپورته یعنی خان سرتیب خوانده میشود.

(ببابت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بعقود مرحوم یعنی خان سرتیب

که از قزاقخانه استعفا داده قرائت گردید بحق مرحوم یعنی خان مبلغ نود و شش تومان شخصی و مبلغ شصت و شصت تومان اداری او بوده که بصورت مجلس شورای ملی جدیداً در حق آن مرحوم برقرار شده بود و کلیه این حقوق هفتصد و پنجاه و شش تومان میشد و نظر بخدمتانی که مرحوم یعنی خان نسبت به مملکت نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند تمام این حقوق بدون کسر بطور استثناء در باره وراثت آن مرحوم بر قرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون مطابق شرح ذیل تصویب نمود و پیشنهاد مجلس می نمایند.

ماده - مبلغ پانصد تومان از حقوق مرحوم یعنی خان در باره وراثت آن مرحوم بترتیب ذیل برقرار میشود. خا بابا خان بر مرحوم یعنی خان دویست تومان عیال و سه نفر صبیّه مرحوم یعنی خان از قرار هر نفری هفتاد و پنج تومان سیصد تومان.

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد) رأی بگیریم آقایانیکه راپورت کمیسیون بودجه را به ترتیبی که خوانده شد تصویب مینمایند ورقه سفید خواهند امضا داشت اوراق رأی گرفته شد آقای حاج میرزا رضا خاقلی بقرار ذیل شماره نمودند ورقه سفید ۳۳ ورقه آبی (۱) **رئیس** - بلا تکلفت ماند. **افتخار الواعظین** - بنده هیچ فراموش نمیکم آن نگرانی را که در ابتداء حدوث این حوادث

ناگوار از برای عسوم ملت ایران دست داده بود این است که لازم مینماید از این فتوحاتی که بجهت الله برای مشروطیت و ملت آزادی خواه ایران دست داده است و میتوانم بگویم تا یک اندازه رفع نگرانی از این حوادث ناگوار شده است از طرف عسوم ملت ایران و از طرف موکلین خودم خصوصاً اهالی خراسان اظهار تشکر و امتنان خودمرا از زحمات و اقداماتی که وزراء عظام در فرستادن این اردوها و در این فتوحات نسبت بملت و مملکت ایران ابراز نموده اند تقدیم کنم (گفتند صحیح است)

رئیس - اینکه بنده خودم اظهار نکرده ام برای این بود که میخواستم مخصوصاً از طرف خود نمایندگان اظهار تشکر بشود.

سلیمان میرزا - بنده فراموش نمیکم آن روزی را که همین کابینه معرفی شده بود و بنده این مطلب را عرض کردم که صفا قریب خواهند این روزی را که هیئت وزراء به مجلس تشریف خواهند آورد و خواهند فرمود که ما اقدامات جنسی خودمان را آنطور که لازمه وزراء آزاد میخواه بود و آن طوری که شما از ما متوقع بودید و با اتفاق شما تکیه دادیم و با اتفاق شما اعتماد داشتیم نمودیم و کار کردیم و تمام ابرهائی که از اطراف برای این آزادی هجوم آورد، بود متفرق کرده ایم و آفتاب آزادی را با تمام نورش ظاهر کرده ایم برای این مملکت و مردم قدر نعمت آزادی را درست دانسته و فهمیده اند و تمام اشرا ر بجزایز شرارت خودشان رسیده اند بجهت الله بزودی تقریباً پیمان روزها رسیده ایم و یک قسمتاز کار بلکه تمام آن بجهت الله از همت هیئت وزرائی که داریم و جدوجهد آنها و زحماتی که همان اطلاع داریم که با آن هوای گرم ترک شیرمان را کردند و در اینجا زحمت کشیدند و بجهت الله بزودی بهم نتیجه رسیدند و ما را بفتح یک اردوی که آمده بود جلو و تصور نمیشد که باین خوبی وزونی از پیش برداشته شود سرور نمودند و امیدوار هستم که با این اقداماتی که در پیش دارند و جد و جهدی که مقبول داشته اند و مقبول میدانند دیگر اثری از این اشرا ر باقی نماند و یک روزی هم آقای مصمصام السلطنه رئیس الوزراء تشریف بیاورند اینجا و بفرمایند که بوظیفه جانبازی خودم و خانواده خودم رفتار کرده ام و امروز در ایران یک نفر مخالف مشروطیت نیست تمام در زیر پنجه آهنین مشروطه خواهان ذلیل و دستگیر شده اند نفی و نفسی و متنفسی از مرتجعین باقی نمانده است و مملکتی که با آن حالت بود و من قبول ریاست وزرا را کردم باین حال رسانیدم و از وجود نفس مرتجعین پاک کرده ام و الان مملکت شما یک مملکت آزاد و آزادیخواه است و وقت بر قرار کردن و گذرانیدن تمام قوانین و نتیجه گرفتن از زحمات است پس هر چه بخواهم اظهار تشکر بکنیم از این همت و زحماتی که کشیده اند کم کرده ایم ولیکن بنده با زبان الکن خودم از طرف خودم و از طرف تمام هم مسلمان خودم بکنه میتوانم بگویم بلکه هم ندارد از طرف تمام نمایندگان مجلس (همه گفتند صحیح است) و از طرف تمام آزادیخواهان ملت ایران از آقای مصمصام السلطنه و سایر وزراء عظام که کابینه را تشکیل داده اند تشکر میکنم و ممنون و امیدوار هستم پیش از این رشته اقدامات

۱